

مدیریت و برنامه‌ریزی ماندگاری جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان گرمسار با تاکید بر متغیرهای جغرافیایی-اقتصادی (گردشگری، کشاورزی و صنایع دستی)

احمد صبوری

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

داود حسن آبادی^۱

استادیار جغرافیای طبیعی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۲۹

چکیده

شناخت دقیق مسایل مربوط به روستاهای ایران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ زیرا ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب ماندگی مثل فقر گسترده، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده، در مناطق روستایی قرار دارد. در دنیای امروز، برنامه‌ریزی توسعه ملی به طور کلی و برنامه‌ریزی توسعه روستایی به طور اخص، از ضروریات سرزمین‌های مختلف به شمار می‌رود. محور توسعه روستاها بطور سنتی کشاورزی تعریف شده، اما محدودیت منابع طبیعی در برخی از روستاها، باعث رکود اقتصادی شده و توسعه کشاورزی به توسعه اقتصادی همه روستاهای منتج نشده است. تمامی جوامع روستایی با معضل بیکاری به نوعی دست به گریبان هستند و ابعاد این معضل، بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی را نیز متأثر ساخته است. هدف اصلی این مقاله عبارت است از مدیریت و برنامه‌ریزی متغیرهای جغرافیایی - اقتصادی ماندگاری جمعیت را در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان گرمسار. چگونه می‌تون با مدیریت و برنامه‌ریزی متغیرهای جغرافیایی - اقتصادی ماندگاری جمعیت را در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان گرمسار افزایش داد؟ این پایان‌نامه با استفاده از روش تحلیلی - تبیینی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات و اسناد کلان انجام می‌شود. روش جمع‌آوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و نیز استفاده از مقالات علمی - پژوهشی است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری و استفاده از جداول و نمودارها است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که که آمایش سکونتگاه‌های روستایی شهرستان گرمسار از لحاظ متغیرهای جغرافیایی - اقتصادی باعث بهبود روند مهاجرت و افزایش ماندگاری جمعیت در منطقه می‌شود.

واژگان کلیدی: ماندگاری جمعیت، سکونتگاه‌های روستایی، متغیرهای جغرافیایی، شهرستان گرمسار، گردشگری.

مقدمه

در دنیای امروز، برنامه ریزی توسعه ملی به طور کلی و برنامه ریزی توسعه روستایی به‌طور اخص، از ضروریات سرزمین‌های مختلف به شمار می‌رود. در این چارچوب، شکل دهی و نظم بخشی به عرصه‌های مکانی و فضایی در واقع از آغاز زندگی بشر و از زمان بهره‌گیری از منابع طبیعی پیوسته در مقیاس و مفهومی متفاوت مطرح بوده است. در این ارتباط هر چه سطح فرهنگ بالاتر رفته، شکل عمومی سازماندهی و انتظام محیط و ابزار و دانش گروه‌های انسانی پیشرفته‌تر شده است (Saedi, 1998: 147). رشد و گسترش گردشگری به شیوه متداول امروزی از جمله پدیده‌های مهم اواخر قرن بیستم است و نواحی روستایی و کوهستانی از مهم‌ترین عرصه‌هایی هستند که در زمینه گردشگری و فعالیت‌های وابسته به آن مورد توجه قرار گرفته‌اند (Mahdavi et al., 2008: 20). بسیاری از برنامه ریزان و سیاستگذاران توسعه از فعالیت گردشگری به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار یاد می‌کنند و در این راستا می‌کوشند، با شناسایی مزیت‌ها و محدودیت‌های روستایی و امکان‌سنجی فعالیت گردشگری در این گونه محیط‌ها و نیز برنامه ریزی اصولی و مناسب، نقش موثری در تنوع بخشی به اقتصاد روستایی و توسعه ملی برعهده گیرند. آنچه مسلم است، این که توسعه گردشگری به طور فزاینده‌ای به صورت یک نوشدارو افزایش دهنده توان اقتصادی، بالابرنده قابلیت زیست در نواحی دور افتاده و محرک تجدید حیات، به حساب می‌آید. با این وجود، اگر گردشگری روستایی به نحوی مناسب برنامه ریزی و مدیریت شود، می‌تواند خالق یا محرک فرایند توسعه یافتگی برای حصول به پایداری توسعه در نواحی روستایی و نیز پایداری جوامع محلی در کلیه زیر شاخه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین فعالیت گردشگری به طور کلی به حساب آید. علی‌رغم این موضوع، گردشگری روستایی فعالیتی پیچیده است که با دیگر بخش‌های جامعه و اقتصاد ارتباط دارد؛ بدینسان، آثار و پیامدهای مختلف گردشگری می‌باید در فرایند برنامه ریزی به دقت مورد مطالعه قرار گیرد تا از عوامل منفی جلوگیری شود و تاثیرات مثبت عوامل اقتصادی و اجتماعی و محیطی مرتبط با آن افزایش یابد (Ghaderi, 2003: 18). بدین ترتیب، بهره‌برداری بهینه از توان‌های گردشگری روستایی به عنوان راهبردی مکمل توسعه روستایی می‌تواند گامی مطمئن برای ترقی و توسعه فضاهای روستایی در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی قلمداد شود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که کار عمران و آبادانی در کشور آغاز شد، جهاد سازندگی فعالیت‌های عمرانی زیادی در روستاها انجام داد و سیمای روستاهای کشور به کلی دگرگون ساخت؛ اما با ادغام جهاد سازندگی و کشاورزی بار دیگر روستاها فاقد متولی خاص شدند. اگرچه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی نیز از بدو تاسیس با هدف عمران و آبادانی روستاها، در این حوزه اقدام‌های اساسی و زیر بنایی خوبی انجام داده‌اند اما نبود یک مدیریت واحد بازهم خلاء در حوزه روستاهاست که باید مسئولان امر در این زمینه روستا را به سازمان یا وزارتخانه‌ای خاص واگذار کنند یا تشکیلاتی برای ان ایجاد کنند. شاخص‌های تحولات جمعیت مناطق شهری و روستایی عمق مسئله و تخلیه جمعیت روستایی و سکونت در مناطق شهری و به عبارتی استمرار انصراف از روستا نشینی را نشان

می دهد. در این بررسی سعی می شود موضوع از جهات مختلف یعنی علاوه بر افزایش طبیعی و مهاجرت از منظر روند تبدیل نقاط روستایی به شهری بررسی شود.

مهاجرت عبارت از جابجایی انسان از یک سرزمین به سرزمین دیگر است، به بیان دیگر مهاجرت ترک سرزمین، خویشاوندان و دوستان و اقامت در محلی دیگر است و مهاجر کسی است که از جایی به جای دیگر برود و یا از سرزمینی به سرزمین دیگر هجرت کند. مهاجرت روستائیان به شهر تنها موجب تغییر مکان جغرافیایی نیست، بلکه همواره با تغییر شغل مهاجر و تحرک اجتماعی همراه خواهد بود.

یک روستایی که اجتماع ده را ترک می کند و به شهر می آید، در بسیاری موارد شغل کشاورزی را رها می کند و به جای آن به شغل و حرفه ای که در شهر وجود دارد مشغول می شود. از آنجا که مهاجرت روستائیان به شهر همواره با ترک زمین، گریز از روستا و رها کردن شغل کشاورزی همراه بوده و آسیب های فراوانی برای جامعه به بار آورده است، مصلحان اجتماعی و علمای اخلاق پدیده مهاجرت روستائیان به شهر را ناپسند، مخرب اخلاق و سلامت جامعه می شمارند.

بی شبهه پدیده مهاجرت روستائیان به شهر که امری اجتماعی است، تنها با روش علمی و بطور عینی قابل بررسی و با کمک پدیده اجتماعی دیگر قابل تبیین است. مهاجرت روستائیان به شهر ممکن است به دو گونه انجام پذیرد. نخست اینکه خانواده با همه اعضای خود بطور کلی ده را ترک می کنند و در مکان دیگری سکونت می گزینند، دیگر اینکه خانواده در ده ساکن است، ولی یک یا چند نفر از افراد آن به صورت فصلی یا دائمی مهاجرت می کنند و در خارج از ده به سر می برند.

آموزش سواد در ایجاد مهاجرت روستائیان به شهر به حدی است که برخی از مصلحان اجتماعی آموزش سواد را برای روستائیان لازم نمی دانند، اینها عقیده دارند که روستایی با سواد کار کشاورزی را رها خواهد کرد، برخی می گویند سواد برای روستایی تاحدی که کمی خواندن و نوشتن بدانند کافی است، اگر از این حد بیشتر فراگیرند به شهرها هجوم می آورند. در ذهن جوانان روستایی که تا مدت ها جز این تصویری نداشتند که مجبورند کار پدران خود را دنبال کنند، با آموزش سواد و کسب آگاهی اجتماعی درباره ارزش های موجود جامعه و پائین بودن پایگاه اجتماعی خود سعی دارند از ده بگریزند، زمین را ترک کنند و به شغلی غیر از کشاورزی اشتغال ورزند. در برخی دیگر از مناطق روستایی ایران نیز عامل بیکاری از عوامل اساسی مهاجرت بوده است. در سبزوار ۷۳،۴ درصد، اراک ۸۴،۲ درصد، بندرعباس ۷۲ درصد، کاشمر ۹۰،۹ درصد و خلخال ۸۸ درصد مهاجران به علت بیکاری ده محل سکونت خود را ترک کرده و در جای دیگر ساکن شده اند؛ بنابراین بر اثر کاربرد ماشین در زراعت و پیدایش بیکاری در روستاها، گروه زیادی از جوانان روستایی برای یافتن کار و تامین درآمد بیشتر به شهرها مهاجرت می کنند؛ بنابراین بررسی های انجام شده، مهم ترین عامل مهاجرت روستائیان بیکاری و عدم درآمد کافی است.

رویکرد نظری

قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، مصوب تیر ۱۳۶۲، روستا را چنین تعریف می‌کند: روستا که از نظر وضعیت طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همگون بوده و با قلمرو معین ثبتي یا عرفی مستقل شناخته شود. روستا از حداقل ۲۰ خانوار یا صد نفر ساکن متمرکز یا پراکنده تشکیل می‌شود. اکثریت ساکنان دائمی روستا به طور مستقیم یا غیر مستقیم به فعالیت در زمینه کشاورزی، دامداری، باغداری، صنایع روستایی یا صید اشتغال دارند. روستا در عرف به عنوان ده، آبادی، قلعه، دهکده یا قریه نیز نامیده می‌شود.

گردشگری روستایی می‌تواند به طور ساده به عنوان مسافرت به نواحی روستایی تعریف شود، اما محققان بر این عقیده‌اند که موضوع بسیار پیچیده‌تر از این است. نمونه‌های زیادی از انجام فعالیت‌های گردشگری در نواحی روستایی وجود دارد، از جمله فعالیت‌های مبتنی بر طبیعت، جشنواره‌های خاص، وقایع میراث، جاذبه‌های مبتنی بر جامعه بومی، گردشگری کشاورزی، نمایشگاه‌های هنری و سوغات و صنایع دستی، تئاتر محلی و سایر موارد. به هر حال از نظر مفهومی به نظر ساده می‌آید که گردشگری روستایی را می‌توان به عنوان نوعی گردشگری که در نواحی روستایی و مناطق پیرامون شهرها انجام می‌شود، تعریف کرد، ولی این تعریف نمی‌تواند شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اشکال متنوع مدیریتی و نهادهای توسعه یافته‌ی فعال در کشورهای مختلف در ارتباط با صنعت گردشگری باشد. در اروپا گردشگری روستایی اغلب برای توصیف گردشگری کشاورزی (یا گردشگری مبتنی بر مزرعه) به کار برده می‌شود، اما در صورت لزوم همه‌ی فعالیت‌های گردشگری در نواحی روستایی را در برمی‌گیرد. در همین راستا امروزه اتحادیه‌ی اروپا همه‌ی انواع گردشگری در نواحی غیرشهری را به عنوان گردشگری روستایی در نظر گرفته است. تعریف زیر، تعریفی است که سازمان جهانی جهانگردی از این نوع گردشگری ارائه می‌دهد: گردشگری روستایی شامل انواع گردشگری با برخورداری از تسهیلات و خدمات رفاهی در نواحی روستایی می‌باشد، که امکان بهره‌مندی از منابع طبیعی و جاذبه‌های طبیعت را همراه با شرکت در زندگی روستایی و کار در مزرعه و کشاورزی، فراهم می‌آورد. جغرافیا مجموعه عواملی است چون مساحت، موقعیت، آب و هوا و جمعیت. به علاوه جغرافیا یک عامل مهم قدرت ملی است اما نه فقط تنها عامل آن و اهمیت آن بستگی دارد به عوامل دیگری چون اقتصاد، تکنولوژی، نیروی انسانی، روحیه، انسجام ملی و ... جغرافیا یکی از عوامل اصلی قدرت ملی در نظریات متخصصین فوق‌الذکر بوده است. عوامل جغرافیایی در دو دسته عوامل جغرافیای طبیعی و جغرافیای انسانی و به صورت کمی و کیفی در قدرت ملی کشورها تأثیر اصلی دارد. تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار انسان از دیر باز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. عوامل طبیعی همواره به طور قابل توجهی در رفتار انسان و اعمال او تأثیر داشته بطوریکه تفاوت‌های محیط طبیعی و با شرایط آب و هوایی مختلف می‌تواند عکس‌العمل‌های خاصی را در رفتار انسان داشته باشد.

اقتصاد کلان به مطالعه شاخص‌های تجمعی مثل تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری، درآمد ملی، شاخص قیمت و رابطه متقابل بین بخش‌های مختلف اقتصاد به منظور درک بهتر چگونگی عملکرد اقتصاد می‌پردازد. اقتصاددانان کلان

مدل های اقتصادی را توسعه می بخشند تا ارتباط بین درآمد ملی، تولید، مصرف، بیکاری، تورم، پس انداز، سرمایه گذاری، تجارت بین الملل و مالیه بین الملل را توضیح دهند. اقتصاد کلان شامل مفاهیم و متغیرهای متنوعی است با این حال سه عنوان اصلی برای تحقیقات اقتصاد کلان طرح می شود. معمولاً تئوری های اقتصاد کلان پدیده هایی مثل تولید، بیکاری و تورم را مرتبط می کنند. خارج از بحث تئوری های اقتصاد کلان این مباحث برای تمام کارگزاران اقتصادی مثل کارگران، مصرف کنندگان و تولیدکنندگان نیز مهم است.

نظریه وابستگی در دیدگاه تضاد یکی از دیدگاه های جامعه شناختی تبیین مسائل اجتماعی نضج گرفت. در دیدگاه تضاد جامعه عرصه تضادها و مبارزات طبقاتی است و متغیرهایی مانند روابط حاکمیت، تقسیم کار، توزیع نابرابر امکانات اقتصادی و تغییرات و دگرگونی های اساسی (انقلاب ها) مورد بحث قرار می گیرند. در دیدگاه تضاد تبیین پدیده ها و مسائل اجتماعی در مقیاس کلان (نظام های سیاسی اجتماعی) است. تبیین مهاجرت در این دیدگاه به نظرات یا مدل های وابستگی شهرت یافته اند. از دید نظریه پردازان این دیدگاه مهاجرت (به ویژه مهاجرت روستاییان به شهر) در بطن روابط سرمایه داری جهانی و توسعه وابسته کشورهای عقب مانده، باید مورد تحلیل قرار گیرند. این گروه از نظریه پردازان بر این اعتقادند که علت های مهاجرت را نمی توان از اثرات آن جدا نمود، زیرا مهاجرت از یک سو، معلول توسعه نابرابر کشورهای سرمایه داری و کشورهای عقب مانده بوده و از سوی دیگر عامل گسترش و تعمیق توسعه نابرابر است. بنابراین در تعیین فرایند مهاجرت، لازم است نخست به مسئله عدم توسعه توجه نمود، زیرا در این راستا است که روابط نابرابر ساختی و مکانی بین بخش های مختلف جامعه مد نظر قرار می گیرد (Lahsaeizadeh, 2008: 32).

یکی از ایده های مطرح شده در این دیدگاه روابط مرکز پیرامون، در امر توسعه کشورهای توسعه نیافته است که توسط «سمیرا امین» ارائه شده است. کشورهای سرمایه داری وضعیت مسلط (مرکز) و کشورهای توسعه نیافته وضعیت تحت سلطه (پیرامون) را دارند. این وضعیت در ساختار داخلی کشورها نیز تأثیر گذاشته و سبب به وجود آوردن قطب های پیشرفته و توسعه نیافته سرمایه داری (معمولاً در شهرها) و مناطق توسعه نیافته (معمولاً روستاها) گشته است و نوعی عدم تعادل منطقه ای را به وجود می آورد. این امر، باعث مهاجرت و جابه جایی نیروی کار از مناطق روستایی محروم به سوی مناطق شهری پیشرفته می گردد. پل سینجر یکی دیگر از نظریه پردازان این دیدگاه، دو مجموعه عوامل مربوط به مبدأ را که باعث مهاجرت می شوند از هم متمایز می کند، این دو مجموعه عبارت اند از: الف) عوامل رکودی، این عوامل زمانی رخ می دهد که جمعیت روستایی به دلیل بهبود نسبی وضع بهداشت و درمان، رشدی بیش از تولیدات کشاورزی داشته باشد و لذا نیروی کار اضافی به وجود می آید. این نیروی کار به علت نبودن اشتغال در روستاها به سوی شهرها مهاجرت می نمایند. ب) عوامل تغییر دهنده، اما تغییر دهنده موقعی مؤثرند که روش های تولید سرمایه داری مدرن در مناطق روستایی نفوذ کرده باشد و باعث تغییر شیوه ها و تکنیک های تولید گردد. در اینجا هدف، افزایش بهره وری کار از طریق صنایع سرمایه بر است و بنابراین تعداد شاغلین را کاهش داده، سبب مهاجرت نیروی کار اضافه موجود در روستاها می گردد. به طور خلاصه در نظریات وابستگی، مهاجرت امری

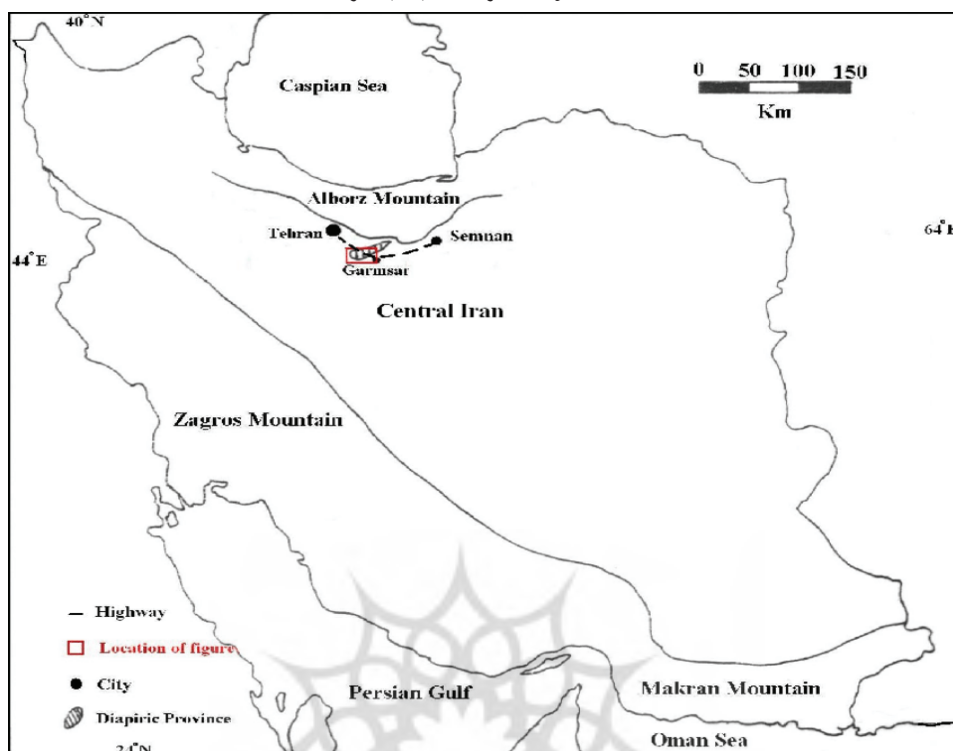
اجباری است که بر اساس عدم توسعه یک محیط (روستا) نسبت به محیط دیگر (شهر) و وابستگی غیر سرمایه‌داری به بخش سرمایه‌داری به وجود می‌آید و یک امر کاملاً استثماری و ادامه آن باعث گسترش هر چه بیشتر توسعه‌نیافتگی می‌گردد. از مدل فوق برای تبیین مهاجرت‌های شهر به شهر نیز می‌توان استفاده کرد و مهاجرت از شهرهای توسعه‌نیافته به شهرهای توسعه‌یافته‌تر در یک کشور را در این چارچوب تبیین کرد. این مدل در دیدگاه تضاد یکی از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی تبیین مسائل اجتماعی نضج گرفت. در دیدگاه تضاد جامعه عرصه تضادها و مبارزات طبقاتی است و متغیرهایی مانند روابط حاکمیت، تقسیم کار، توزیع نابرابر امکانات اقتصادی و تغییرات و دگرگونی‌های اساسی (انقلاب‌ها) مورد بحث قرار می‌گیرند. در دیدگاه تضاد تبیین پدیده‌ها و مسائل اجتماعی در مقیاس کلان (نظام‌های سیاسی اجتماعی) است. بنابراین در تعیین فرایند مهاجرت، لازم است نخست به مسئله عدم توسعه توجه نمود، زیرا در این راستا است که روابط نابرابر ساختی و مکانی بین بخش‌های مختلف جامعه مد نظر قرار می‌گیرد (Lahsaeizadeh, 2008: 32).

به طور خلاصه در نظریات وابستگی، مهاجرت امری اجباری است که بر اساس عدم توسعه یک محیط نسبت به محیط دیگر و وابستگی غیر سرمایه‌داری به بخش سرمایه‌داری به وجود می‌آید و یک امر کاملاً استثماری و ادامه آن باعث گسترش هر چه بیشتر توسعه‌نیافتگی می‌گردد. از مدل فوق برای تبیین مهاجرت‌های شهر به شهر نیز می‌توان استفاده کرد و مهاجرت از شهرهای توسعه‌نیافته به شهرهای توسعه‌یافته‌تر در یک کشور را در این چارچوب تبیین کرد.

منطقه مورد مطالعه

شهرستان گرمسار یکی از شهرستانهای استان سمنان است. جمعیت این شهرستان بر پایه سرشماری سال ۱۳۸۵، برابر با ۷۸۰۶۱۹ نفر بوده است. شهر گرمسار مرکز این شهرستان است. فارسی، الیکایی و تاتی زبان‌های اصلی شهرستان گرمسار هستند. فارسی در مرکز بخش مرکزی (شهر گرمسار) و تاتی در مرکز و روستاهای بخش ایوانکی رایج است. اقوام الیکایی و مازندرانی نیز به زبان مازندرانی گویش می‌کنند.

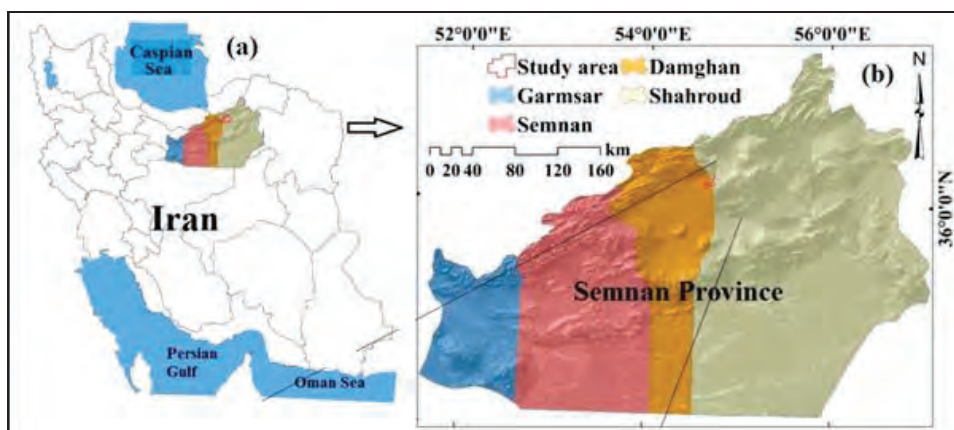
نقشه ۱- موقعیت گرمسار نسبت به تهران



Source: <http://www.jiraeg.ir>

گرمسار یکی از هشت شهرستان استان سمنان است و در غرب این استان قرار دارد. شهرستان گرمسار از شمال به شهرستان فیروزکوه و شهرستان دماوند، از سوی شرق به شهرستان آرادان و شهرستان سرخه از غرب به شهرستان پاکدشت و استان قم و از جنوب به شهرستان آران و بیدگل محدود است. فاصله شهر گرمسار تا مرکز استان ۱۱۰ کیلومتر و تا تهران ۹۵ کیلومتر است. مساحت شهرستان گرمسار ۱۰۶۸۶ کیلومتر مربع است. گرمسار از لحاظ موقعیت جغرافیایی بین مدار ۳۴ درجه و ۲۸ دقیقه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و بین ۵۱ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۵۵ دقیقه طول از شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد.

نقشه ۲- موقعیت استانی و ملی گرمسار



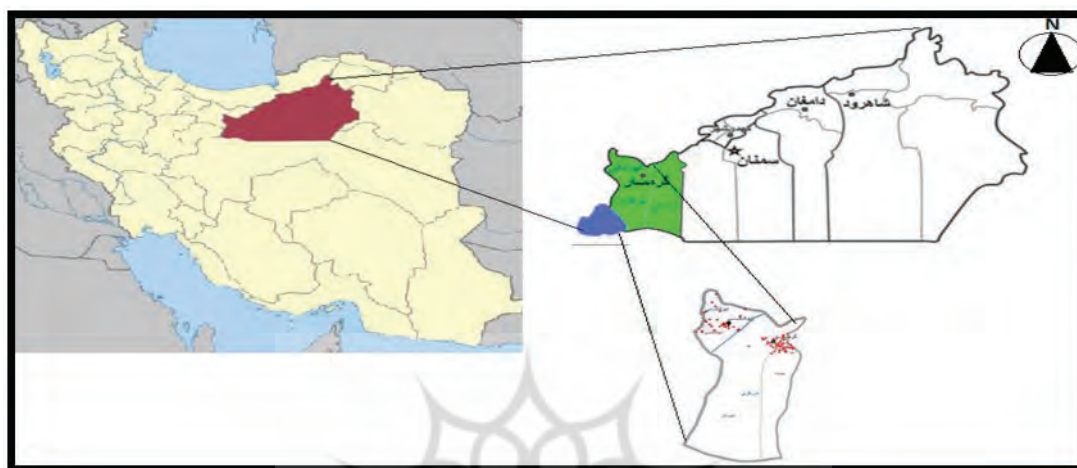
Source: (<http://www.jiraeg.ir>)

گرمسار بر روی مخروط افکنه حبله رود یکی از رودخانه‌های دائمی این شهرستان قرار داشته و از سه جهت توسط رشته کوه‌هایی احاطه شده و فقط سمت جنوبی آن به علت وجود کویر باز است؛ که به کوه‌های سیاه‌کوه ختم می‌شود. ارتفاع متوسط گرمسار از سطح دریا ۸۵۶ متر است. شهر گرمسار پیوندگاه راه آهن سرتاسری شمال (گرگان) و مشهد است و جاده اصلی تهران - مشهد در کنار آن قرار دارد. طول دشت گرمسار از شرق به غرب ۴۸ کیلومتر و از شمال به جنوب معادل ۲۷ کیلومتر است. گرمسار دارای چهار ایل بزرگ به نامهای زندی-الیکایی-اصانلو و ایل پازوکی است. شهر گرمسار در دوره هخامنشیان مهمترین راه ارتباطی بین خاور و باختر کشور بود. در زمان اشکانیان نیز خوار یکی از هجده ساتراپی آنان به نام خوآران بوده است. دروازه خزر (سدره خوار) مرز بین ماد و پارت بوده است. از مهترین کارهای دوره صفویه (شاه عباسی)، ساخت جاده سنگفرش از سیاه کوه تا گرمسار، رباط شاه عباسی سیاه کوه و راه سواد کوه که از خوار و حبله رود و فیروز کوه به مازندران می رفت می‌توان یاد کرد. در زمان قاجاریه برای این منطقه حاکمی مستقل از دارالخلافه تهران تعیین می شد.

شهرستان گرمسار که در پنجاه سال اخیر معمولاً در تقسیمات کشوری در حوزه استان تهران قرار می گرفت در سال ۱۳۵۵ جزو استان سمنان شد. گرمسار با وسعتی معادل ۹ هزار و ۲۳۳ کیلومتر مربع، غربی ترین شهرستان استان سمنان و رباط این استان با مرکز کشور، تهران است. گرمسار از طرف شمال به دماوند و فیروز کوه و از غرب به ورامین و از مشرق به سمنان و از جنوب به کویر مرکزی و قم و در نهایت به شهرستان نائین در استان اصفهان محدود می‌شود. مرکز شهرستان، شهر گرمسار است که در ارتفاع ۸۲۵ متری از سطح دریا قرار دارد، این شهرستان دارای دو بخش مرکزی و ایوانکی است. شهرستان گرمسار دارای بخش آرادان نیز بود که با مصوبه هیئت وزیران در دیماه سال گذشته بخش آرادان به شهرستان ارتقا یافت. فاصله مرکز شهرستان تا مرکز استان ۱۱۰ کیلومتر و تا مرکز کشور تهران ۹۵ کیلومتر است؛ البته اگر از آخرین نقطه بخش ایوانکی گرمسار محاسبه کنیم فاصله به تهران فقط ۴۵ کیلومتر است. گرمسار از تهران ۱۱۱ کیلومتر و از سمنان ۱۱۰ کیلومتر فاصله دارد. مسافرانی که از سمت غرب و تهران راهی این شهر هستند از جاده ۴۴ (جاده تهران - مشهد) پس از گذر از ایوانکی وارد این شهر می‌شوند. مسافران سمنان از سمت شرق نیز از جاده ۴۴ وارد گرمسار می‌شوند. مسافرانی که از سمت جنوب و قم راهی این شهر هستند می‌توانند با استفاده از جاده‌ای که از بزرگراه خلیج فارس (جاده تهران - قم) منشعب می‌شود به این شهر برسند.

شهرستان گرمسار با مساحت ۵۱۸۲ کیلومترمربع غربی ترین شهرستان استان سمنان بوده و در جوار استان های تهران و قم قرار گرفته است. این شهرستان از طرف شرق با شهرستان تازه تاسیس آرادان همسایه می باشد. همچنین از شمال به شهرستان های فیروزکوه و دماوند از استان تهران و در جنوب به استان اصفهان محدود می شود. حداقل طول شرقی جغرافیایی شهرستان گرمسار ۵۱ درجه و ۵۱ دقیقه و حداقل عرض شمالی ۳۴ درجه و ۱۸ دقیقه قرار داشته و ارتفاع ایستگاه هواشناسی مرکز شهرستان از سطح دریا ۸۹۹/۹ متر و اختلاف ساعت مرکز شهرستان با شهر تهران ۵ دقیقه می باشد. مساحت این شهرستان ۵۱۶۲ کیلومترمربع می باشد. این شهرستان در مسیر تهران به مشهد

قرار گرفته و از طریق شبکه بزرگراهی و راه آهن با این شهر ها در ارتباط می باشد. همچنین شهر گرمسار از طریق شبکه آزادراهی با قم در ارتباط بوده و از این طریق با مناطق جنوبی کشور ارتباط برقرار می کند. راه آهن شمال کشور نیز از شهر گرمسار عبور کرده و ارتباط این شهرستان را با شمال کشور برقرار می سازد. مرکز این شهرستان شهر گرمسار است.



نقشه شماره ۳-۳- نقشه موقعیت جغرافیایی شهرستان گرمسار

Source: Edited and edited by the author, 2019

شهرستان گرمسار یکی از شهرستان های ۶ گانه استان سمنان بوده و دارای ۲ بخش است که شامل ۳ دهستان می باشند. بخش ایوانکی شامل دهستان ایوانکی بوده و بخش مرکزی از ۲ دهستان حومه و لجران تشکیل شده است. این شهرستان دارای ۲ نقطه شهری گرمسار و ایوانکی می باشد. شهر گرمسار مرکز این شهرستان است.

جدول ۱- تقسیمات اداری شهرستان گرمسار

شهرستان	مرکز شهرستان	بخش	دهستان	نقاط شهری
گرمسار	گرمسار	ایوانکی	ایوانکی	ایوانکی
		مرکزی	حومه	
			لجران	گرمسار

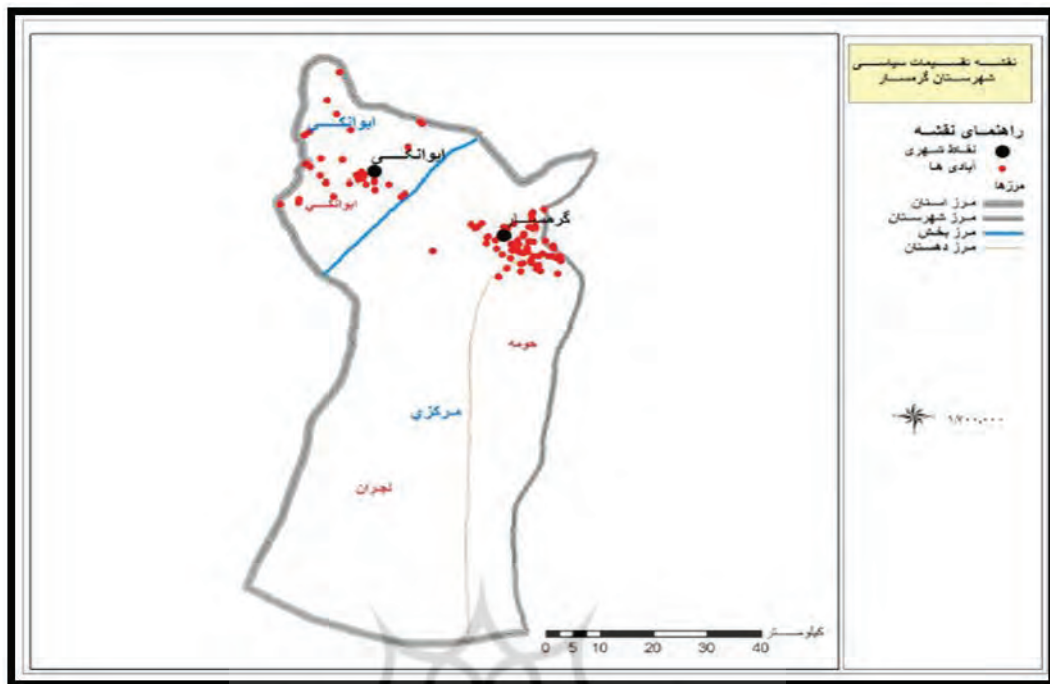
Source: Statistics of Semnan Province, 2016

این شهرستان براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۶۹ آبادی دارای سکنه و ۲۳۲ آبادی خالی از سکنه بوده است.

جدول ۲- وضعیت روستاهای شهرستان گرمسار

شهرستان	آبادی در شهرستان		نام بخش	آبادی در بخش	
	دارای سکنه	خالی از سکنه		دارای سکنه	خالی از سکنه
گرمسار	۸۹	۲۳۲	ایوانکی	۳۲	۷۶
			مرکزی	۵۷	۱۵۶

Source: Semnan Province Development Document,



2018

نقشه ۴- نقشه تقسیمات سیاسی شهرستان گرمسار

Source: Detailed development document of Semnan province, 2018

گردشگری روستایی

تنوع بخشی به اقتصاد، بالا بردن شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، مشکلات ناشی از صنعتی شدن و آلودگی بیش از حد استاندارد شهرها به ویژه شهرهای بزرگ، مهاجرت‌های روستایی، افزایش بهره‌وری و کارآمدی نیروی انسانی، اشتغال زایی، تعامل فرهنگ‌ها و گفت‌وگوها، حفظ محیط زیست و در مجموع توسعه‌ی پایدار از دغدغه‌هایی است که جهان امروز با آن روبرو است. هر یک از کشورها در هر سطحی از توسعه در تلاشند که پاسخ لازم به دغدغه‌های مذکور را بیابند. در این میان، کشورهایی که به متنوع‌سازی اقتصاد روی آورده‌اند و می‌خواهند خود را از اقتصاد تک پایه‌ای برهانند در جستجوی شناخت راه‌های آن یا خلق راه‌ها و روش‌های جدیدند. یکی از این روش‌ها گردشگری است که اغلب کشورها به ویژه کشورهایی که به لحاظ موقعیت مکانی از این مزیت برخوردارند، آن را در برنامه‌های توسعه‌ی ملی خود گنجانده‌اند تا از این طریق بتوانند فرآیند توسعه‌ی ملی خود را سرعت بخشند. توریسم انواع مختلفی دارد که اکنون شکلی نوین و گزیداری از توریسم با عنوان توریسم روستایی، با هدف توسعه پایدار جوامع محلی در نواحی روستایی، بعنوان ابزاری جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی و یکی از مهمترین مشاغل مدرن در مناطق روستایی ارتقاء یافته است. از انواع مهم و در حال رشد توریسم، توریسمی است که مربوط به روستا و مناطق روستایی می‌باشد. توریسم وابسته به روستا در کشورهایی که دارای صنعت توریسم رشد یافته‌ای هستند به شدت در حال رشد و گسترش می‌باشد. (Walpole & Goodwin, 2000)

با توجه به ویژگی بارز گردشگری روستایی به مثابه یکی از مردمی ترین اشکال گردشگری، می توان انتظار داشت که این صنعت از یک سو به رشد اقتصادی و تنوع فعالیت های روستایی و از سوی دیگر با جذب مازاد نیروی انسانی، به ایجاد اشتغال و درآمد زایی برای ساکنان روستاها کمک کند و فرصتی برای توسعه همه جانبه قلمداد شود. (Sabzian Mollai and Khosravi Pour, 2012, 2). سکونتگاه های روستایی، به خصوص در کشورهای جهان سوم که نزدیک به ۱/۲ جمعیت این گونه کشورها را در خود جا داده اند، با مسائل و مشکلات حادتری از قبیل: مهاجرت های روستایی، پایین بودن سطح اشتغال، پایین بودن سطح بهره وری در بخش کشاورزی، فقدان یا کمبود زیربنای رفاهی و خدماتی مواجه اند. این در حالی است که تعداد قابل توجهی از این گونه سکونتگاه ها به لحاظ موقعیت مکانی و داشتن عناصر مهم جذب گردشگر، مانند مناظر طبیعی، آثار باستانی، تنوع اقلیمی، آداب و سنن اجتماعی، زمینه های مناسبی برای توسعه ی فعالیت های گردشگری دارند. بدون شک دست یابی به چنین هدفی مستلزم شناخت فرآیند گردشگری، طبقه بندی رویکردها، سیاست ها و آثار اجتماعی-فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی است تا با یک پشتوانه ی علمی و آگاهی از آثار مثبت و منفی این پدیده در جهان و ایران، به انتخاب یک راهبرد منطقی واقع گرا توأم با برنامه ریزی و مدیریت صحیح گردشگری در چهارچوب فرآیند توسعه ی همه جانبه و پایدار دست زد. بسیاری از ساکنین شهری علاقه مند هستند که از محیط شلوغ و آلوده ی شهری به محیطی آرام و پاکیزه بروند. همین دلیل بسیاری از افراد برای حفظ سلامتی و آرامش خاطر گردش در مناطق روستایی را انتخاب می کنند و تجربه های تازه ای را در زندگی خود کسب می نمایند (Rajabi, 2011). در این تحقیق سعی شده به شناسایی مفهوم گردشگری روستایی با رویکردی به گردشگری پایدار نگریسته شود. روستاها به دلیل ویژگی ها و ماهیت وجودشان به طور مستقیم به طبیعت پیرامون خود وابسته و متکی هستند به طوری که تغییرات در این بستر مکانی در گذر زمان شکل می گیرد و در فضایی جغرافیایی مبتنی بر کنش متقابل میان عوامل و روندهای طبیعی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی - سیاسی را خلق می نماید، بنا به درجه ی تغییرات و دگرگونی های روستایی بخش هایی از فضای درونی و بیرونی روستا شکل طبیعی و بکر خود را حفظ می نماید، همین ویژگی روستا برنامه ریزی اکوتوریسم را در چنین محیطی امکان پذیر می سازد. کنفرانس جهانی توریسم، توریسم روستایی را شامل انواع گردشگری با برخورداری از تسهیلات و خدمات رفاهی در نواحی روستایی می داند که امکان بهره مندی از منابع طبیعی و جاذبه های طبیعت را همراه با شرکت در زندگی روستایی (کار در مزرعه و کشاورزی) فراهم می آورد. توریسم روستایی، توریسم زراعی و کشاورزی را نیز در بر می گیرد و موزه ای از ارائه ی خدمات و تسهیلات خدماتی مانند اسکان، پذیرایی، امکانات، وسایل سرگرمی، برپایی جشن ها و مراسم محلی، تولید و فروش صنایع دستی و محصولات کشاورزی را نیز در بر دارد (Morad Nejad, 2002: 52).

گردشگری روستایی به عنوان یک فعالیت تفریحی، اجتماعی، در نیمه ی دوم قرن هجدهم در انگلستان و اروپا ظاهر شد. قبل آن هم مناطق روستایی مورد استفاده فعالیت های تفریحی قرار گرفته بودند اما شرکت در این فعالیت های تفریحی محدود به اقشار برتر جامعه بوده است. در قرن نوزدهم و بیستم به دلیل توسعه ی حمل و نقل و سهولت

جابه جایی راهیابی به مناطق روستایی آسان شد. رشد سریع تقاضا برای گردشگری روستایی از سال ۱۹۴۵ آغاز شد البته در همین زمان گردشگری روستایی شاهد رشد برجسته ی گردشگری بین المللی شاهد رشد جمعیت بوده و افزایش تقاضا برای گردشگری روستایی تا اندازه ای منجر به توسعه ی گردشگری شد (Sharpley, 2001: 53).. اصول کلی در گردشگری روستایی را می توان به شاخه های زیر تقسیم نمود: گسترش تفریحات گردشگران در روستا باید بر اساس فعالیت هایی باشد که نمایان گر روستا و زیبایی ها، فرهنگ، تاریخ و حیات وحش آن می باشد. توسعه ی روستا باید حفظ محیط زیست و اهداف تفریحی را تقویت کند به طور مثال می تواند استفاده ی بهتری از مکان های تاریخی داشته باشد تا مکمل درآمدهای حاصل از زمین های کشاورزی باشد و این مهم با احیای زمین های متروک و ایجاد فرصت های جدید برای دسترسی به روستا حاصل می شود.

اقتصاد روستایی: سرمایه گذاری در گردشگری روستایی باید از اقتصاد آن حمایت کند با این حال باید در مناطق وسیع کم جمعیت صورت گیرد تا از انبوهی جمعیت و خسارات ناشی از فرسایش منابع طبیعی و استفاده ی بیش از حد آن ها جلوگیری شود و موجب گسترش اقتصاد و فواید دیگر شود. کسانی که از گردشگری روستایی سود می برند باید در حفظ آن سهم باشند و با حمایت های سیاسی و عملی از محیط زیست و اجرای سیاست ها و برنامه های تفریحی، کیفیت آن را بهبود بخشند. بازاریابی: تبلیغ و اطلاع رسانی در مورد صنعت گردشگری باید فهم مردم را نسبت به آن عمیق کند تا استفاده ی بهینه از روستا منجر به درک و لذت بردن از آن ها شود (Sharpley, 2001: 23). طرح ریزی: برنامه ریزی و اداره ی توسعه ی جدید گردشگری باید با منظره توازن داشته باشد و هر جا که ممکن است آن را گسترش دهد.

روستا به عنوان یک مکان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، زیستگاه جماعتی از مردم در خارج از محدوده شهرهاست که دارای هویت تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی مخصوص به خود می باشد (Amiri, 2011). اساس توسعه گردشگری در نظر داشتن رابطه ای است که میان سه جزء گردشگران، مقصد و جامعه میزبان برقرار است. این رابطه می تواند سنجیده، پویا و سازنده و یا مخرب باشد. از یک طرف گردشگری می تواند با مشارکت در اشتغال زایی و ایجاد درآمد، اقتصاد جوامع محلی را احیا کند و نیز می تواند در تقویت فرهنگ محلی سهمیم باشد و در حفظ محیط زیست یا بازسازی محیط زیست و ساخته دست بشر تغییر ایجاد کند. از طرف دیگر گردشگری قادر است اقتصاد محلی را جلو بیاورد و کیفیت زندگی و محیط زیست جوامع محلی را پایین بیاورد؛ بنابراین هدف گردشگری روستایی این است که با حفظ منابع طبیعی در دراز مدت بین این سه جزء تشکیل دهنده گردشگری اعتدالی موزون برقرار کند (Sharpley, 2001: 121).. مشارکت جامعه در گردشگری جزء ضروری توسعه گردشگری پایدار بویژه در زمینه گردشگری روستایی است (همان: ۱۲۳). برخی از تعاریفی که تاکنون برای توریسم روستایی ارائه شده اند بدین شرح می باشد: گردشگری توأم با مسئولیت به نواحی روستایی است که باعث حفظ محیط زیست و توسعه رفاه جوامع محلی می گردد (Lai & Nepal, 2006).

توریسم روستایی را هر شکلی از توریسم که نشان دهنده نوعی از زندگی روستایی، هنر، فرهنگ و میراث فرهنگی در مکان های روستایی باشد و به موجب آن سودآوری برای جوامع محلی هم به لحاظ اقتصادی و هم اجتماعی به همراه داشته باشد و نیز تعاملاتی را بین گردشگران و افراد محلی به منظور توسعه تجربه بیشتر و تبادلات فرهنگی و اجتماعی ایجاد نماید تعریف نمود. گردشگری روستایی باید به عنوان بخشی از فرآیند توسعه روستایی که یکی از مفاهیم و اشکال توسعه پایدار است، مورد توجه قرار گیرد (Mohammadi and Hayati, 2011: 6).

این نوع گردشگری در محیط روستایی انجام می پذیرد، در این نوع گردشگری می توان به فعالیت هایی نظیر دیدن مزارع روستایی، رسیدن به آرامش در محیط روستا، گشت و گذار در طبیعت، داد و ستد با روستاییان و غیره اشاره نمود. اهداف این نوع گردشگری زمینه های اقتصادی، اجتماع یو فرهنگی می باشند. گردشگری روستایی از نظر فعالیت به دو نوع تفکیک می شود: ۱- گردشگری با تکیه بر کشاورزی در مزرعه: کشاورزی و دیگر فعالیت های مربوط به آن حول محور اصلی این نوع از گردشگری را شکل می دهد که به آن گردشگری کشاورزی نیز گفته می شود. ۲- گردشگری بدون تکیه بر کشاورزی و خارج از مزرعه: محور فعالیت ها چیزی غیر از فعالیت های کشاورزی است مانند گشت و گذار در طبیعت، حضور در روستا، دوچرخه سواری، اسب سواری و غیره (Zahrabi, 2006). اساس توریسم روستایی، ترکیب محیط زیست روستایی، فعالیت های مزرعه و فرهنگ های خاص موجود در روستا بمنظور فراهم نمودن گردشگری و تنوع برای گردشگران و ایجاد فرصتی برای افراد محلی در جهت کسب درآمد بیشتر، ایجاد اشتغال و آشنایی با فرهنگ های مختلف و ایجاد ارتباط با سایر افراد روستای خود می باشد و ایجاد این فرصت بدون تخریب محیط زیست طبیعی مد نظر است (Mohammadi and Hayati, 2012: 7).

در عصر حاضر، گردشگری و اقتصاد گردشگری در حال تبدیل شدن به یکی از سریع ترین صنایع رو به رشد جهان، ابزاری برای ایجاد درآمد ملی، از اصلی ترین ارکان اقتصادی جهان و نیز از مفاهیم، اشکال و ارکان توسعه ی پایدار قلمداد می شود. از طرفی گردشگری اشکال مختلفی دارد که اکنون شکلی نوین و گزیداری از گردشگری با عنوان گردشگری روستایی، با هدف توسعه ی پایدار جوامع محلی در نواحی روستایی و به عنوان ابزاری برای توسعه ی اقتصادی و اجتماعی و یکی از مهم ترین مشاغل مدرن در مناطق روستایی ارتقا یافته است. هر چند که گردشگری روستایی در مجموع موضوع جدیدی نیست اما اهمیت آن و نقشی که در توسعه ی پایدار جوامع محلی ایفا می کند، به تازگی مورد تایید قرار گرفته است (Dasville, 2007: 10). این در حالی است که با آنکه مفاهیم توسعه ی پایدار از دهه ی ۱۹۸۰ به بعد در نوشتارهای توسعه ی جهان به طور گسترده مورد توجه صاحب نظران واقع شده، اما توجه به گردشگری پایدار از دهه ی ۱۹۶۰ با شناسایی تاثیر بالقوه ی گردشگری انبوه و توجه به تاثیر فعالیت های گردشگری بر اقتصاد، محیط زیست و فرهنگ نقاط توریستی در مناطق میزبان آغاز شد. این روند در دهه ی ۱۹۷۰ با شکل گیری و پیدایش مفهوم گردشگری سبز که بر اساس آن، ارزش سرمایه های طبیعی و میزان خسارت ها و آسیب های وارد آمده بر محیط زیست برآورد می شود- ادامه یافت و بیش تر بر حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی و سایر منابع گردشگری بر استفاده ی دائم نسل فعلی و نسل های آینده معطوف گردید. به دنبال

این تلاش‌ها اصطلاح و مفهوم گردشگری پایدار به عنوان تنها راه نجات طبیعت و انسان نمود پیدا کرد. رهیافت گردشگری پایدار، گردشگری را در غالب مرزها بررسی می‌کند و رابطه‌ی مثلث وار میان جامعه‌ی میزبان و سرزمین آن را از یک سو و جامعه‌ی میهمان یعنی گردشگران را از سوی دیگر با صنعت گردشگری برقرار می‌سازد و قصد دارد فشار و بحران موجود بین سه ضلع مثلث را تعدیل و در طولانی مدت موازنه‌ای را برقرار سازد (Qaderi, 2003: 135). توسعه پایدار روستایی عبارت است از وحدت میان ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی به منظور بالا بردن سطح معیشت و رفاه مردم روستایی است. در توسعه پایدار روستایی توجه به عوامل زیست محیطی از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد (Mohammadi and Hayati, 2012: 7).

لازم به ذکر است جوامعی که صنعت توریسم روستایی و کشاورزی در آن رواج دارد و به موفقیت‌هایی از این راه رسیده‌اند جوامعی هستند که افراد در فعالیت‌ها و پروژه‌ها کنترل و مشارکت دارند و قسمت عمده منافع در جامعه مورد نظر باقی می‌ماند. اعضاء جامعه خود درگیر پروژه‌ها می‌شوند و منافع نیز باید به آنان اختصاص یابد و بر اساس مشارکت داوطلبانه این امر صورت می‌گیرد (Li, 2005). همه این موارد نشان دهنده یک رابطه قوی بین توریسم روستایی با توسعه پایدار می‌باشد و یکی از راهکارهای اساسی برای توسعه مناطق روستایی توجه به این نوع توریسم است تا محیط‌های روستایی را از انزوا و مهمجوریت خارج نموده و توسعه‌ای متوازن در کشور ایجاد نمایند. توریسم روستایی موجب حفظ و تداوم فرهنگ اصیل و بومی می‌شود و نکته مورد توجه در روستاها و ایلات و عشایر این است که هر کدام از آنها افسانه‌ها، داستان‌ها، آداب، سنن و عقاید مربوط به خود را دارند که مجموعه این‌ها یک موزه مردم‌شناسی بی‌نظیر است و هر یک از سیاه‌چادرهای عشایر و یا خانه‌های روستایی، مراسم و جشن‌های آنان حتی جشن عروسی، یک موزه زنده است که این موزه‌ها عرصه به تصویر کشیدن ارتباط بین سه عنصر انسان، طبیعت و فرهنگ با همدیگر است؛ لذا بایستی با به نمایش گذاشتن آنان به سایرین و سهیم شدن در فرهنگ آنان در حفظ و نگهداری آنها بکوشیم و اجازه ندهیم که این موزه زنده و جالب به فراموشی سپرده شود (Mohammadi and Hayati, 2012: 8).

یافته‌های پژوهش

گرچه توریسم پیامدهای مثبتی را به دنبال دارد اما بدون برنامه‌ریزی و نظارت دقیق، حتی این نوع توریسم می‌تواند آسیب‌های جدی را بر پیکر روستاها وارد نماید. این توریسم بر سه بعد اقتصادی، محیطی و اجتماعی - فرهنگی تاثیر دارد. اثرات مثبت و کارکردهای توریسم روستایی در ذیل بیان گردیده است:

۱- کارآفرینی برای جوانان و زنان روستایی، توسعه مراکز اشتغال کوچک و ایجاد شغل‌های متعدد و جلوگیری از مهاجرت

۲- مشارکت افراد محلی در مدیریت و برنامه‌ریزی‌ها و نیز جلب مشارکت آنان در توسعه اقتصاد ملی با پتانسیل حفظ و حمایت از منابع طبیعی و محیط زیست

۳- تزریق سرمایه به روستا و کاهش فقر با ایجاد یک کانال جهت ارزش افزوده محصولات محلی، رشد و حفظ صنایع دستی و خارج شدن از اقتصاد تک بعدی روستا و افزایش و تغییر شکل منابع در معرض خطر به سمت منابع پربازده و همراه با سودمندی و توزیع درآمد

۴- ارتباطات بیشتر روستاییان با سایر جوامع و فرهنگ های متنوع و ارتقاء سطح فرهنگ مردم محلی، حفظ و تداوم ارزش های فرهنگی و شناساندن هویت محلی ۵- افزایش سرمایه اجتماعی و رفاه جوامع محلی (Mohammadi and Hayati, 2011: 8-10). مدیریت امور گردشگری در سطح ملی از وظایف و مسئولیت های دولت است که خط مشی و سیاست های کلی، وضع مقررات، ترتیبات اداری، منابع مالی و سهم هر یک از بخش های عمومی یا خصوصی توسط دولت مشخص می شود. در برخی از کشورها برنامه ریزی گردشگری در این سطح به صورت نیمه دولتی یا حتی غیر دولتی و خصوصی انجام می گیرد. بدین ترتیب برنامه ریزی و مدیریت گردشگری روستایی وظیفه ی تعداد زیادی از سازمان های بخش دولتی و خصوصی و شوراهای اسلامی روستاهاست که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در گردشگری دخالت دارند (Eghbali, 2010: 52).

برای تامین انتظار بازدیدکنندگان لازم است کسب و کارهای مرتبط با گردشگری، رفتار خرید گردشگران را درک کنند. مقصدهای گردشگری روستایی برای رقابت باید دارای امکانات تامین نیازمندی های اساسی گردشگران مانند: اقامت و غذا باشند برای نمونه، در گردشگری مزرعه، کشاورزان باید توانایی متنوع ساختن فعالیت های خود را داشته باشند تا ارزش محصولات و دارایی آن افزایش پیدا کند. این موجب بقا و توسعه ی جنگل داری، شکار، ماهیگیری، تولید میوه ها می شود. در همه ی بازدیدها یا تجارب گردشگران، برخی از محصولات یا عناصر مختلف در نظر گرفته می شود. این عناصر به طور معمول شامل حمل و نقل، اقامت، سرگرمی، جاذبه ها و تسهیلات خرده-فروشی و امکانات فراغتی و تفریحی است، آن ها با یکدیگر عرضه ی گردشگری را نشان می دهند. برخی اوقات، این عناصر سازماندهی شده و به صورت یک بسته ی گردشگری در می آید که توسط گردانندگان سفرها و عوامل مسافرت ها به فروش می رسد و گاهی اوقات نیز گردشگران خود این عناصر مختلف را انتخاب و ترکیب می کنند. در هر مورد این عناصر به طور جمعی، ترکیبی از فعالیت ها و کارکردها را تولید می کنند که (محصول گردشگری) نامیده می شود. دو شیوه برای بررسی محصول گردشگری وجود دارد، این موضوع از یک طرف ممکن است از نقطه نظر صنعت گردشگری یا فراهم کنندگان محصول گردشگری بررسی شود که در این صورت، تمرکز بر مسائل و چالش های بخش های گردشگری است. از طرف دیگر، این موضوع می تواند از نقطه نظر گردشگران بررسی شود. در این مورد، محصول گردشگری شامل کل تجربه ی گردشگری است و در این صورت محصول گردشگری بیش تر از مجموع بخش های تشکیل دهنده ی آن است؛ به عبارت دیگر محصول گردشگری روستایی به طور ساده مجموعه ای از جاذبه ها، تسهیلات و فرصت های تفریحی در نواحی روستایی نیست، بلکه تمامی تجربه ای است که شامل همه ی دوره ها یا مراحل بازدید واقعی اعم از اولیه و بعد از آن در نواحی روستایی می شود (Rezvani, 2008: 60)..

امروزه نقش گردشگری در کمک به توسعه ی نواحی دارای جاذبه های گردشگری بر همگان آشکار شده است. گردشگری روستایی یکی از اشکال گردشگری است که هر روز بر میزان توجه و تاکید بر آن در برنامه ریزی های روستایی و منطقه ای افزوده می شود. گردشگری روستایی گستره ای فراگیر از فعالیت ها، خدمات و تسهیلات را شامل می شود که به وسیله ی روستاییان برای تفریح، استراحت، جذب و نگهداشت گردشگران در نواحی روستایی صورت می گیرد و می تواند گردشگری کشاورزی، گردشگری مزرعه، گردشگری طبیعی، گردشگری فرهنگی، گردشگری جنگل و اکوگردشگری را نیز در بر داشته باشد؛ بنابراین بخش توریسم به عنوان بخشی مولد در زمینه ی کسب درآمد و ایجاد اشتغال، در اقتصاد کشورها نقش بسزایی دارد. به طوری که بسیاری از کشورها به صنعت پویای توریسم به عنوان منبع اصلی درآمد، اشتغال زایی، رشد بخش خصوصی و توسعه ی ساختارهای زیر بنایی نگاه می کنند. این صنعت در دهه های اخیر به سرعت در حال رشد بوده است و انواع متعدد آن، از جمله توریسم روستایی، اکوتوریسم و صنایع دستی که بیش تر نمونه های مربوط به محیط طبیعی و روستا هستند نیز، از اقبال و توجه بسیاری برخوردار شده اند. توسعه ی پایدار گردشگری روستایی، به مثابه ی بخشی ارزشمند و روبه پیشرفت در زمینه های اقتصادی مطرح است و در زمینه های سرمایه گذاری، با توجه به دست رس بودن منابع، پایین بودن قیمت ها و کوچک بودن طرح ها در مقایسه با دیگر طرح های گردشگری، خطرات و هزینه های کمتری دارد (Rajabi, 2011)..

معمولا گردشگری روستایی اثرات مثبت اقتصادی در جامعه میزبان بجا می گذارد اما با تدابیر اصولی باید شناخت کافی از منابع و بنیان های توسعه پایدار کسب نمود، زیرا با ادامه روند و تحلیل منابع طبیعی، تغییر و تحول چشم اندازهای روستایی، مهاجرت افراد بومی از روستا و تخریب محیط زیست، جامعه میزبان متحمل اثرات منفی خواهد شد (Jafari and Hatami, 2011: 6).

گردشگری روستایی، گردشگری کشاورزی، طبیعت گردی و گردشگری سبز از جمله تعابیر متعددی هستند که به فعالیت های گردشگری واقع در خارج از شهرها اطلاق می شود که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه های خاصی از مردم (روستاییان فقیر) طراحی شده است. توسعه پایدار: توسعه پایدار به عنوان فعالیتی شناخته شده است که نه تنها منابع طبیعی و فرهنگی را حفظ کند، بلکه ظرفیت آن را برای ایجاد درآمد و اشتغال افزایش دهد. برای دستیابی به موفقیت در یک جامعه، گردشگری به بهبود زندگی ساکنین و حفاظت از محیط زیست محلی، طبیعی و فرهنگی برنامه ریزی و مدیریت شود. گردشگری پایدار: گردشگری پایدار نشأت گرفته از توسعه پایدار می باشد و لذا با توجه به اینکه توسعه پایدار از اصول و مبانی پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جهان محسوب می شود ی گردد. با این حال گردشگری روستایی می تواند به طور ساده به عنوان مسافرت به نواحی روستایی تعریف شود، اما محققان بر این عقیده اند که موضوع بسیار پیچیده تر از این است. نمونه های زیادی از انجام فعالیت های گردشگری در نواحی روستایی وجود دارد، از جمله فعالیت های مبتنی بر طبیعت، جشنواره ها، وقایع میراث،

جاذبه های مبتنی بر جامعه ی بومی، گردشگری کشاورزی، نمایشگاه های هنری و صنایع دستی، تئاتر اجتماع محلی و سایر موارد.

به طور کلی گردشگری روستایی از دو جنبه اهمیت دارد، یکی به عنوان یک فعالیت گسترده جهانی و دیگری از نظر تأکید بر آن در سیاست های توسعه منطقه ای و محلی. در شرایطی که قرن بیستم به پایان رسیده است، هنوز توسعه روستایی با مسائل و چالش های متعددی مواجه است، چراکه، راهبردهای گذشته در زمینه توسعه روستایی موفقیت آمیز نبوده و نتوانسته اند مسائلی همچون فقر، اشتغال، بهداشت، امنیت غذایی و پایداری محیط زیست را تأمین کنند، این راهبردها در توزیع منافع حاصل از رشد و توسعه نیز موفق نبوده و سبب ایجاد مشکلات متعددی برای نواحی روستایی شده اند، این مسئله باعث شده است که در سالهای اخیر بار دیگر توسعه روستایی مورد توجه قرار گرفته و نظریه پردازان، برنامه ریزان و مجریان حکومتی در صدد برآیند تابا ارائه راهکارها و روشهای جدید، از معضلات و مسائلی که این نواحی گریبانگیر آن هستند بکاهند.

هم اکنون بیش از ۵۰ هزار روستا در ایران وجود دارد که اگر بخواهیم این رقم را در قالب حوزه های روستایی ارائه کنیم، تعداد آن به حدود ۸ هزار حوزه روستایی می رسد. منظور از حوزه روستایی، مجموعه ای روستاست که حداقل حدود ۵ هزار نفر سکنه را پوشش می دهد. در این بین براساس آمارهای موجود حدود ۴۰۰ روستا به عنوان روستای هدف گردشگری در کشور انتخاب شده اند که سرمایه گذاری روی هر یک از این روستاها می تواند در نهایت به توسعه حوزه روستایی منجر شود.

یکی از مهمترین اهداف توریسم روستایی افزایش درآمد روستائیان و خانوارهای روستایی می باشد که جهت نیل به هدف برنامه ریزی لازم و ضروری می نماید. پیش از این در خصوص چگونگی افزایش درآمد روستائیان از طریق توریسم، توضیحاتی داده شد. یکی دیگر از اهداف توریسم روستایی، هدف آموزشی می باشد، به این ترتیب که یکسری آموزش های حرفه ای برای افراد درگیر در این صنعت عظیم، اعم از روستائیان و پرسنل نهادها، مؤسسات و سازمان های فعال را تدارک ببیند که البته با توجه به اصول توسعه پایدار، پایه ریزی و افراد را برای کارهای مدیریتی، آماده نماید. این امر علاوه بر اینکه موجب صرفه جوئی در زمان و اعتبارات می شود، می تواند سبب افزایش تعداد توریست ها و گردشگران روستایی در هر سال نسبت به سال های قبل شده و بنوبه خود افزایش میزان درآمد خانوارهای روستایی (بعنوان مهمترین هدف توریسم روستایی) را باعث گردد. از دیگر اهداف توریسم روستایی می توان افزایش میزان مشارکت روستائیان در سیاست گذاری و سیاست سازی در زمینه هایی از قبیل فراهم کردن امکانات تفریحی و ورزشی، معرفی سیمای جغرافیایی و طبیعی محل و غیره را نام برد. همچنین قرار دادن اطلاعاتی از قبیل مشاغل، نهادها و مؤسسات درگیر در صنعت توریسم به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، در اختیار مردم از اهداف دیگر توریسم روستایی محسوب می شود.

پینا چهار هدف کلی صنعت توریسم روستایی را به این شرح گزارش داده است:

۱- آموزش افراد برای خدمت در توریسم روستایی بر اساس اصول توسعه پایدار

۲- آماده کردن افراد برای تأسیس و مدیریت صنایع کوچک روستایی

۳- آماده کردن افراد برای مشارکت در تصمیم‌گیری در زمینه توسعه صنعت توریسم روستایی

۴- آموزش افراد در توسعه فرصت‌ها، فعالیتها و تفریحات برای توریست‌ها بر اساس اصول توسعه پایدار.

توریسم روستایی را می‌توان جزئی از مجموعه گردشگری و جهانگردی به شمار آورد که در بسیاری از کشورهای که از جمعیت روستایی بالائی برخوردارند، دارای اهمیت می‌باشد (مثلاً کشور هند که ۶۷ درصد از مردم آن در روستاها زندگی می‌کنند). توریسم روستایی دارای اشکال متعددی و متنوعی است که این تنوع ارائه تعریفی جامع و کامل از آن را تا حدی دشوار کرده است.

۱. برخی توریسم روستایی را بعنوان توریسمی که مناطق روستایی را در بر می‌گیرد تعریف کرده‌اند. البته این تعریف نمی‌تواند کامل باشد و فعالیت‌نهادها و ارگانهایی که در این صنعت درگیر هستند را در بر گیرد.

۲. در جایی دیگر توریسم روستایی را عبارت از مناطق تفریحی - تجاری در روستا که خدماتی را برای گردشگران و توریست‌ها عرضه می‌کند، دانسته‌اند.

۳. عده‌ای توریسم روستایی را توریسمی که در حومه شهرها اتفاق می‌افتد، بیان می‌کنند. این تعریف نیز نمی‌تواند دلچسب باشد و مفهوم توریسم روستایی را بخوبی به مخاطب انتقال دهد.

روشهای تشکیل و سازماندهی توریسم روستایی از کشوری به کشوری دیگر متغیر می‌باشد، در برخی کشورها دولت‌ها یا نهضت‌تعاونی ۴ منبع اصلی سرمایه‌گذاری در این بخش بوده، در حالی که در سایر کشورها سازمانهای خصوصی ۵ ممکن است مبادرت به انجام این کار نمایند. همان‌طور که می‌دانید توریسم روستایی ممکن است در هر کشوری دارای معانی مختلف و متعددی باشد. در زیر به نمونه‌هایی از اشکال مختلف توریسم روستایی اشاره می‌شود در فنلاند توریسم روستایی به اجاره کلبه‌های روستایی به توریست‌ها و تدارک خدمات برای آنها اطلاق می‌شود، در مجارستان اصطلاح توریسم دهکده‌ای رایج است، در هلند توریسم روستایی به اردو زدن گردشگران در مزارع با خدمات و فعالیت‌های جانبی از قبیل اسب‌سواری و پیاده‌روی مربوط می‌شود، در جنوب شرقی آسیا که از لحاظ صنعت توریسم دارای رشد چشمگیری است، بخش اعظم مردم محل به ارائه خدمات به گردشگران مشغولند و از راه فروش صنایع دستی در آمد خوبی بدست می‌آورند (Sharifzadeh and Moradnejadi, 2002). در اندونزی توریسم روستایی بطور جدی در کشتزارهای مناطق ساماترا و جاوا توسعه یافته است که غالباً توریست‌ها برای دیدن فعالیت‌هایی از قبیل کاشت برنج و شیره‌گیری از کائوچو به مزارع سر می‌زنند، در ژاپن شکل غالب توریسم روستایی، توریسم مزرعه و مهمانسرای مزرعه ۱ است که وعده‌های غذای محلی را عرضه می‌کند، در فرانسه نیز که نمونه بارزی از صنعت توریسم روستایی است روستائیان یا مبادرت به اختصاص جایگاههایی در مزارع خود جهت اردو زدن توریست‌ها می‌کنند یا خانه‌هایی موسوم به گیتس ۲ را برای مدتی کوتاه بصورت اجاره‌ای در اختیار گردشگران قرار می‌دهند.

۴-۵- مشکلات گردشگری روستایی

۴-۵-۱- فقدان مهارت های مدیریتی

یکی از مشکلات شایع در کشورهای آسیایی ضعف مهارت های مدیریتی در طرح های اجرا شده توسط کشاورزان است. همچنین این ضعف گریبان گیر دولتهای محلی، مقامات مسئول و کارکنان این نهادها در طرح ریزی دستورالعمل های قانونی گردشگری نیز می باشد. بیشتر افراد در این کشورها آشنایی محدود و تجربه ی بسیار اندکی در توسعه ی گردشگری دارند. این مساله مشکلات متعددی را در شناسایی و انتخاب طرح های مناسب گردشگری جهت صدور مجوز اجرا و همچنین تخمین اثرات این طرحها بر مناطق روستایی به وجود می آورد.

۴-۵-۲- بازاریابی

اغلب تسهیلات و امکانات گردشگری روستایی بسیار محدودند و در گستره ی سرزمینهای وسیع دچار پراکندگی اند که این مانعی است بر سر راه جذب گردشگران بالقوه از طریق بازاریابی و تبلیغات؛ بنابراین دو عامل مذکور، ارائه ی خدمات مناسب به گردشگران انبوه را عملاً غیر ممکن می سازند.

۴-۵-۳- زیر ساختها

بسیاری از مناطق روستایی که دارای ویژگیهای طبیعی زیبا و منحصر به فرد هستند، از زیر ساختهای مناسب حمل و نقل مانند جاده و شبکه ریلی راه آهن بی نصیبند و دسترسی به آنها بسیار مشکل است.

در برخی از کشورهای پر جمعیت، دسترسی به جاده ها به دلیل ازدحام بیش از حد مردم غیر ممکن است و در برخی دیگر جاده ها آنقدر نامناسبند که زمان طی مسیر را بسیار طولانی و پر زحمت می کنند. به طور حتم شهر نشینان نمی خواهند اوقات فراغت گرانبهای خود را به جای سیاحت محیط های بکر روستایی در مسیرهای ناهموار برای دسترسی به این مناطق تلف کنند.

روستاها نیز مانند شهرها در اوقات خاصی از فصول سال بسیار پر ازدحام و شلوغ هستند. در این ایام محدود به دلیل مراجعه ی بیش از ظرفیت گردشگران به این نواحی تسهیلات رفاهی و دیگر امکانات محدود خدماتی روستاها دچار استهلاک شدیدی می شوند که این خود عامل کاهش و تنزل برگشت سرمایه به این مناطق است. بازگشت سرمایه ی حاصل از گردشگری روستایی با نگاهی منصفانه رو به کاهش است، به طوریکه می توان گفت بازگشت سرمایه در این بخش اغلب بسیار کمتر از سرمایه گذاری در دیگر بخشهای اقتصادی است.

بر اساس مطالعاتی که بر عملکرد برخی از کشاورزان صورت گرفته، آنها سرمایه گذاری مناسبی جهت ساخت اقامتگاه های جدید و یا فراهم آوردن امکانات گرانقیمت و لوکس نمی کنند. این طرز عملکرد کشاورزان به دلیل عدم تناسب درآمدشان با قسطهای سنگینی است که از قبل سرمایه گذاری در ایجاد زیرساختهای مورد نیاز گردشگران بر آنها تحمیل می شود. وامهایی با نرخ سود کم و همچنین کمکهای مالی دولتها می تواند تغییراتی بسیار وسیع در سودبخشی سرمایه گذاری کشاورزان در گردشگری روستایی ایجاد کند. آب و هوای مناطق، نقش مهمی در سرمایه گذاری ایفا می کنند. کشورهایی که در مناطق معتدل آب و هوایی قرار دارند و دارای فصول متنوع هستند

به سرمایه‌گذاری وسیعتری در ایجاد تسهیلات رفاهی برای گردشگران محتاجند تا کشورهایی مثل تایلند که در حوزه آب و هوای گرمسیری قرار دارند و تقریباً دارای فصول همسان در طی سال می‌باشند. کشورهای چهار فصل به دلیل تغییرات آب و هوایی که در آنها رخ می‌دهد، شمار کمتری از گردشگران را پذیرا هستند و نرخ سالیانه‌ی مراجعه به این مناطق که تنها در روزهای محدودی از سال صورت می‌گیرد بسیار پایین است.

۴-۵-۴- اطلاعات محدود روستاییان از خواسته‌های گردشگران

روستاییانی که تسهیلات رفاهی را برای گردشگران و مخصوصاً گردشگران خارجی مهیا می‌کنند با مراجعینی روبرو هستند که از لحاظ سلائق و ارزشها سبک زندگی متفاوتی در مقایسه با معیارهای زیستی ساکنین روستا دارند. موفقیت در گردشگری روستایی بر مبنای بازدید مکرر گردشگران از نواحی روستاییست که این خود با انتقال تجربیات بازدید کنندگان به صورت توصیف آنچه که به مذاقشان خوش آمده است برای دیگر گردشگرانی که آن محیط را تجربه نکرده‌اند صورت می‌گیرد. روستاییان احتیاج وافر به کسب اطلاعاتی نظیر، بازخورد گردشگران از زندگی در روستا، برای وفق دادن خود با خواسته‌ها و آمال آنان دارند.

توریسم روستایی می‌تواند به عنوان منبع جدید درآمدی برای روستاییان و بویژه روستاییان کشورهای در حال توسعه باشد و تا اندازه‌ای مشکلات آنها را حل و یا لاقط تقلیل دهد. این امر مستلزم مدیریت و برنامه‌ریزی خاصی است. توریست‌ها افراد غریبه‌ای هستند که ممکن است بر اساس حس کنجکاو خود به روستاها سفر کنند تا علاقمندی خود را برای خرید محصولات روستا از قبیل صنایع دستی، محصولات محلی، غذاهای سنتی و.. ابراز نموده‌اند و اینبه معنی افزایش درآمد روستاییانی که به طور مستقیم و غیرمستقیم در این صنعت دخیلند، می‌باشد. علاوه بر این احداث و راه‌اندازی هتل‌ها و رستوران‌ها و بطور کلی اماکن تفریحی و ورزشی با ایجاد اشتغال از طرفی باعث افزایش درآمد و کاهش بیکاری و فقر میگردد..

این‌که نظام روستایی ما برای بهبود وضعیت کشاورزی به عنوان مهم‌ترین مبنای توسعه روستایی باید مدنظر قرارگیرد، امری است که از دید هیچ‌کسی پنهان نیست؛ اما از منظری دیگر راهکارهای مکملی نیز وجود دارند که در جایگاه خود می‌توانند بسیار موثر باشند. هنگامی که از کاهش جمعیت شهری بویژه در کلانشهرها صحبت می‌کنیم، مهم‌ترین راه‌حل برای این مشکل پیشگیری است، یعنی باید بتوانیم از مهاجرت روستاییان به شهرها و از مهاجرت ساکنین شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و کلانشهرها جلوگیری کنیم و همه برنامه‌ریزان می‌دانند که این هدف بسادگی قابل دستیابی نیست. حال که جامعه روستایی ایران، از پتانسیل خوبی برای گردشگری روستایی برخوردار است و با توجه به این شاخه از گردشگری می‌توان به توسعه پایدار مناطق روستایی کشور کمک کرد و این امری است که نیاز به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دارد؛ تجربه کشورهای دیگر نشان داده است که این شیوه می‌تواند موفق باشد. این تاکید با در نظر گرفتن این نکته است که هویت روستایی، هویتی زیبا و به جهت اجتماعی بسیار ارزشمند است که باید از آن صیانت کرد؛ اما همه ما باید بدانیم و بپذیریم که با ترویج گردشگری روستایی، در عمل می‌توانیم به صیانت از این میراث ارزشمند کمک کنیم. نواحی گردشگری روستایی که نزدیک به جاذبه‌های پر مخاطبی چون

پارکهای ملی و سواحل ویژه ی شنا هستند از اقبال بیشتری جهت بازدید گردشگران برخوردارند. جاده های هموار نیز عاملی تعیین کننده است زیرا گردشگران به هیچ وجه مایل به رانندگی در جاده های ناهموار برای مدت زمانی طولانی نیستند، هرچند که چشم اندازی زیبا در انتظار آنها باشد. شاید برخی مناطق از توسعه ی وسیع گردشگری توسط دولت محلی یا سازمانهای ملی سود ببرند اما توسعه ی گردشگری در مقیاسی وسیع، زمانی توجیه پذیر خواهد بود که بر اساس یک برنامه ریزی مناسب این مناطق قادر به جذب گردشگران انبوه و کسب درآمدی قابل توجه برای کشاورزان باشند.

مبادرت کشاورزان به ایجاد امکانات گردشگری در روستاها می تواند با اعتبارات مالی خارج از روستا حمایت شود. از جمله ی این حمایتها می توان به ارائه ی اطلاعات و راهکارها به کشاورزان جهت چگونگی آماده سازی تسهیلات و امکانات برای گردشگران و آنچه در قبال سازماندهی این ترتیبات می توانند انتظار داشته باشند اشاره کرد. از اولویتهای تصمیم گیری در این زمینه، آموزش مدیریت منابع و شیوه های استاندارد مهمانداری به روستاییان است که برای نیل به این هدف اختصاص اعتبارات مالی ویژه از گزینه های تعیین کننده است.

مشارکت کشاورزان به عنوان بخشی از پروسه ی بازاریابی و تبلیغات و همچنین همیاری آنان در کشف بازخوردهای مشتریان می تواند بسیار سودمند و راهگشا باشد و البته که فعالیت یک سامانه ی ملی مسئول در امر تخصیص اعتبار و ناظر بر صدور مجوزهای اجرایی می تواند منفعت های بسیاری را در پی داشته باشد. سرمایه گذاری در بخش گردشگری روستایی عمدتاً توسط دولت ها یا بنگاه های اقتصادی صورت می گیرد؛ و این در حالیست که معمولاً نرخ بازدهی سرمایه گذاری در این بخش نسبت به بازدهی در دیگر بخشهای اقتصادی پایینتر است.

بنابراین تا زمانی که کشاورزان موفق به بازگشت سرمایه ی مورد انتظار خود در ازای فعالیت در زمینه ی گردشگری روستایی نگردند، ادامه ی حمایتهای مالی نهادهای ملی ضروری است. ایجاد ارتباطات اجتماعی وسیعتر، یافتن دوستان جدید و کشف راهکارهای اقتصادی نوین جهت نیل به استقلال اقتصادی در نزد بانوان روستایی از جمله انگیزه های اصلی برای فعالیت اقتصادی و سرمایه گذاری روستاییان در گردشگری روستایی می باشد. کشاورزان بیشتر راغب به کسب مزایای گردشگری از طریق دخالت مستقیم خود در فراهم کردن محصولات و خدماتی نظیر، تسهیلات رفاهی، غذاهای محلی و دیگر ویژگیهای منحصر به فرد خود یا ترکیبی از این سه گزینه برای گردشگران هستند. اگر گردشگران در اقامتگاه هایی سکنی گزینند که توسط سرمایه ی خارجی بنا نهاده شده و به این دلیل گردشگران هیچ گونه تعاملی با جامعه ی میزبان نداشته باشند و حتی غذای روزانه ی گردشگران نیز از خارج تدارک دیده شده باشد، مسلماً برای اقتصاد محلی سود دهی بسیار اندکی را در پی خواهد داشت. مادامی که اثرات اقتصادی گردشگری روستایی بسادگی قابل سنجش نباشد، اقدام به فعالیت در این نوع گردشگری توسط کشاورزان بایستی در مقیاسهای کوچک و پراکنده و ترجیحاً در جهت تامین منافع تولیدکننده به جای منافع مصرف کننده باشد.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

برای توسعه روستایی باید ایجاد شهرهای کوچک در پیوند عملکردی با حوزه‌های روستایی محور قرار گیرد تا با تنوع بخشیدن به اقتصاد، صنعتی کردن، عرضه خدمات پشتیبانی، تجاری کردن کشاورزی و سرانجام سازماندهی و مدیریت، توسعه متعادل را برآورده سازند. یکی از اهداف تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر در ایران، کاستن از جریان‌های مهاجرتی به سوی شهرهای بزرگ بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در ایران طی دهه‌های قبل، معیار جمعیت و در یک دهه اخیر جمعیت و مرکزیت به‌عنوان دو مولفه و معیار اصلی برای تبدیل روستا به شهر بوده است. در این زمینه بررسی‌ها نشان می‌دهد تا سال ۱۳۳۵ معیار جمعیتی خاصی برای تبدیل روستا به شهر وجود نداشته است و به‌جای مولفه جمعیت، مجموعه‌ای از ملاک‌های کمی، کیفی، تاریخی، اداری و سیاسی برای تبدیل روستا به شهر مدنظر قرار می‌گرفت. از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ برای تبدیل روستا به شهر معیار جمعیت بالای پنج‌هزار نفر به تصویب مجلس رسید و سازمان تقسیمات کشوری موظف شد شرایط تبدیل روستاهای دارای جمعیت بیش از پنج‌هزار نفر جمعیت را به شهر فراهم کند. بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۲ روستاهایی با جمعیت بیش از پنج‌هزار نفر و همچنین تمامی مراکز شهرستان (بدون در نظر گرفتن معیار جمعیتی) می‌توانستند تبدیل به شهر شوند. از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۱ معیار جمعیت از پنج‌هزار نفر به ۱۰ هزار نفر تغییر کرده و همچنین وزارت کشور موظف شد در صورت وجود دلایل امنیتی، اداری و استراتژیکی، بدون معیار جمعیتی برخی نقاط را شخصیت شهری قائل شود. از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۹ علاوه بر معیار ۱۰ هزار نفر جمعیت، روستاهای مرکز بخش نیز با جمعیت بین چهار تا ۶ هزار نفر نیز می‌توانستند درخواست تبدیل به شهر را بدهند؛ اما در آخرین تغییرات قوانین تقسیمات کشوری، از سال ۱۳۸۹ معیار ۱۰ هزار نفر به‌نوعی حذف شده و ملاک‌هایی همچون روستاهای واجد شرایط و مرکز بخش برای تبدیل نقاط روستایی به شهر مدنظر دولت قرار گرفت.

همان‌طور که گفته شد از سال ۱۳۳۵ به بعد معیار وجود جمعیت بیش از پنج‌هزار نفر برای تبدیل روستاها به شهر مدنظر تقسیمات کشوری قرار گرفت، با این حال بررسی‌های آماری نشان می‌دهد در اتخاذ راهبرد تبدیل نقاط روستایی به شهر معیار جمعیتی چندان نقش نداشته است، به‌طوری که تعداد زیادی از شهرهای تازه تاسیس شده، فاقد معیار جمعیتی تعریف شده برای شهر شدن هستند. در این زمینه داده‌های آماری حکایت از آن دارد که در سرشماری سال ۱۳۳۵ فقط ۱۴ شهر با جمعیت کمتر از پنج‌هزار نفر وجود داشته که این تعداد در سال ۱۳۴۵ به چهار شهر (با افزایش جمعیت تبدیل به شهرهای بزرگ‌تر شده‌اند)، در سال ۱۳۵۵ به ۲۲ شهر، در سال ۱۳۶۵ به ۸۷ شهر، در سال ۱۳۷۵ به ۸۸ شهر، در سال ۱۳۸۵ به ۳۲۴ شهر، در سال ۱۳۹۰ به ۳۷۰ شهر، در سال ۱۳۹۵ به ۴۰۶ و تا سال ۱۳۹۸ به ۴۸۴ شهر رسیده است. همچنین طی این مدت تعداد کل شهرهای کشور از ۱۹۱ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۲۷۱ شهر در سال ۱۳۴۵، به ۳۷۳ شهر در سال ۱۳۵۵، به ۴۹۶ شهر در سال ۱۳۶۵، به ۶۱۷ شهر در سال ۱۳۷۵، به ۱۰۱۲ شهر در سال ۱۳۸۵، به ۱۱۳۹ شهر در سال ۱۳۹۰، به ۱۲۴۱ شهر در سال ۱۳۹۵ و به ۱۳۱۹ شهر در سال ۱۳۹۸ رسیده است.

به عبارت دیگر، در سال ۱۳۳۵ از کل شهرهای کشور به لحاظ تعداد، شهرهای کوچک سهم حدود ۶ درصدی داشته اند که این میزان در سال ۱۳۹۵ به ۳۲,۵ درصد و در سال ۱۳۹۸ به ۳۶,۷ درصد رسیده است.

مهاجرت از روستا پدیده شومی است که مقابله با آن در گام اول به تامین زیرساخت های اقتصادی و سخت افزاری نیازمند است و در گام دوم به اقدام نرم افزاری مانند فرهنگ سازی درباره اهمیت حیات روستاها وابسته است. تامین زیرساخت های مناسب اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و فرهنگی در مناطق روستایی، موجب نگهداشت جمعیت و مقابله با معضل فراگیر مهاجرت روستاییان به شهرها می شود. اکنون در برخی روستاها امکانات زیرساختی مانند آب، برق، گاز، تلفن و اینترنت وجود دارد، اما با وجود تامین این زیرساخت ها، برخی روستاها در فصل های سرد سال تنها ۲ یا سه خانوار سکونت دارند و اهالی به شهرها مهاجرت می کنند؛ برآیند گفته ها حاکی از آن است نگهداشت جمعیت در روستا به تدابیری هوشمندانه و فراتر از تامین زیرساخت نیاز دارد.

نادیده گرفتن منزلت اجتماعی روستائیان، نیاز مالی و مشکلات معیشتی، خردشدن زمین های کشاورزی براساس قانون ارث و نداشتن توجیه اقتصادی کارکردن در زمین های کوچک، نوسان بازار اقتصادی، مشکلات بیمه و نبود تامین اجتماعی گسترده و فراگیر برای پوشش در زمان بروز بحران، از عوامل مهاجرت مطرح است. ایجاد زنجیره تولید با پشتیبانی تشکل ها و تعاونی ها برای ایجاد اشتغال پایدار و حمایت از تولیدکننده قبل و بعد از تولید با تهیه مواد اولیه باکیفیت و تامین و تضمین بازار مصرف و فروش در زمینه کشاورزی، دامداری و شیلات از راهکارهای نگهداشت جمعیت در روستاهاست. بنابر آمارها در سال ۱۳۳۵، نسبت جمعیت روستایی به شهری ۷۰ به ۳۰ درصد بود، اما با گذر زمان و توسعه روزافزون شهرها این تناسب به هم خورد به گونه ای که در زمان حاضر تنها حدود ۲۰ میلیون از جمعیت بیش از ۸۰ میلیونی کشور را روستائیان تشکیل می دهند و از سال ۱۳۷۵ تاکنون ۶۰۰ روستای کشور به شهر تبدیل شده است. اکنون از یک هزار و ۶۲۵ روستای استان سمنان فقط ۴۰۰ روستا دارای سکنه است که تعداد قابل توجهی از این روستاها در نقاط دورافتاده قرار دارند و برخی از تامین نیازهای اولیه بی بهره اند و به عنوان نمونه بسیاری از آن ها با تانکر آبرسانی می شوند. براساس آمار رسمی موجود، در سال ۱۳۸۵ جمعیت روستاهای سمنان ۱۴۹ هزار نفر، در سال ۱۳۹۰ به ۱۳۹ هزار نفر و در سال ۱۳۹۵ جمعیت در روستاهای استان به میزان ۱۴۱ هزار نفر سرشماری شده است. در استان سمنان ۳۰۰ روستا بالا ۲۰ خانوار وجود دارد که ۴۰ درصد از این روستاها با کمبود آب مواجه است و برای تامین آب آشامیدنی، ۱۵ روستا هم با تانکر آبرسانی می شود. در دولت تدبیر و امید از محل اعتبارهای توسعه اشتغال روستایی بیش از ۹۰۰ میلیارد ریال تسهیلات با سود کم در اختیار روستائیان سمنان قرار گرفت که اتخاذ این راهبرد در میان مدت به توسعه کسب و کار در این مناطق می انجامد. یکی دیگر از اصول مهم و کاربردی برای توسعه در مناطق روستایی مهارت آموزی است که می توان در قالب طرح های مختلف مشاغل در حال فراموش شده در این مناطق را با آموزش احیا کرد.

به گفته کارشناسان، مهاجرت گامی در جهت بازتولید فقر و نابرابری در جوامع است و خالی شدن روستاها از سکنه و مهاجرت به شهرها نمونه ای از مهاجرت است که فقر و آسیب اجتماعی از پیامدهای شوم آن خواهد بود، اگر

درمانی برای این مشکل تجویز نشود، جامعه و مردم آسیب خواهند دید. بیکاری، کمبود فضا زیستی و آموزشی، کاهش محصولات راهبردی و ایجاد خلل در چرخه اقتصادی کشور، سالخوردگی و زنانه شدن نیروی کار کشاورزی، افزایش آسیب‌های اجتماعی و خالی شدن روستاها از سکنه، از دیگر پیامدهای مهاجرت مطرح می‌شود. در چند سال گذشته تغییر اقلیم و خشکسالی مستمر، کم‌آبی و بیکاری، بلای خانمان سوز در روستاهای استان بوده است و بیشتر اقشار مردم در این مناطق را ناچار به مهاجرت کرده است. اگر تمهیداتی اندیشیده شود تا به روستاییان مهارت‌های کسب درآمد آموخته شود در نگهداشت جمعیت موثر است. صرف‌تأمین زیرساخت برای نگهداشت جمعیت در روستا کافی نیست و ضرورت دارد در این زمینه فرهنگ‌سازی شود تا جایگاه و شان روستاییان حفظ شود. روزگاری روستاها مولد انواع محصولات کاربردی کشور بودند، اما اکنون با مسایلی مانند خشکسالی، مشکلات اشتغال، کوچ جمعیت، از رونق افتادن صنایع مستقر، کاهش توان تولید کشاورزی و بی‌انگیزگی در بخش تولید مواجه است. بیکاری و حاشیه‌نشینی در شهرها، ناشی از بی‌توجهی به روستاها و عشایر کشور است و شناخت دقیق مسایل مربوط به روستا و عشایر و رفع مشکلات راهکار مقابله با مهاجرت است. روستاییان در پویایی و رشد اقتصادی، کنترل نرخ تورم، افزایش نرخ اشتغال کشور جایگاه مهمی دارند و بستر مناسبی برای تولیدات کشاورزی، دامی، صنعتی و خدماتی فراهم می‌آورند اما اکنون پدیده مهاجرت تحقق این راهبردها را دچار چالش کرده است.

کاهش روزافزون جمعیت شهری شه‌میرزاد به دلیل مهاجرت ساکنان جویای کار این شهر به نقاط مختلف کشور و استان سمنان نگران‌کننده و جدی است. اکنون بخش قابل توجهی از واحدهای مسکونی شهر شه‌میرزاد خالی از سکنه است و این منطقه بیلاقی به تفرجگاه مسافران تبدیل شده است. در سال‌های گذشته تعداد قابل توجهی از مردم این شهر برای فعالیت در واحدهای تولیدی و صنعتی به مرکز استان سمنان مهاجرت کرده‌اند. براساس آمار در ۲ دهه گذشته شاخص رشد جمعیت این شهر کاهش یافته است و در زمان حاضر در این منطقه ۱۱ هزار و ۱۷۴ نفر زندگی می‌کنند. شه‌میرزاد با وجود برخورداری از جاذبه‌های گردشگری منحصر به فرد از فقر جمعیتی رنج می‌برد که باید با رفع مشکلات زیرساختی برای رفع این چالش اقدام کرد. با وجود جاذبه‌های گردشگری در این شهر اما این منطقه بیلاقی در زمان حاضر معبری برای تردد گردشگران است.

احیا خانه‌های بوم‌گردی متناسب با ویژگی‌های بومی موجب افزایش اشتغال و جلوگیری از مهاجرت و ترغیب روستاییان به زندگی در روستا می‌شود. روستاهای استان سمنان دارای قابلیت‌ها و ظرفیت‌های زیادی است و با ارائه طرح‌های گردشگری متناسب با ظرفیت هر روستا می‌توان در روستاها رونق اقتصادی ایجاد کرد. خانه‌های بوم‌گردی با توجه به ویژگی‌هایی که دارند زمینه بهبود معیشت روستاییان از طریق اشتغال و کارآفرینی را فراهم کرده و موجب بازگشت روستاییان به روستاها می‌شود. آموزش‌های فنی و مهارتی در کاهش مهاجرت روستاییان به شهرها نقش موثری دارد و در نگهداشت جمعیت در روستاهای این استان کمک کرده است. مهاجرت از روستاها به شهرهای استان سمنان به دلیل آفت مدرک‌گرایی و تحصیل در دانشگاه‌ها چشم‌گیر و رو به افزایش است. این اداره کل به

منظور کاهش آمار مهاجرت، دوره های مهارت آموزی برگزار کرده که استقبال روستائیان برای حضور در کلاس های مهارت آموزی بیشتر از اقشار شهرنشین است. رویکرد مدرک گرایی در افزایش مهاجرت از مناطق روستایی قابل توجه است، اما مهارت آموزی و اتخاذ رویکرد توانمندسازی می تواند به رونق اقتصادی در این مناطق کمک کند. در ۶ ماه نخست ۹۷ در ۴۰ دهستان استان طرح مهارت آموزی اجرا شد که این طرح در کاهش مهاجرت از مناطق روستایی تاثیر قابل توجهی داشته است. اجرای طرح های مهارت در بخش حوزه صنایع دستی، کشاورزی، فرش و صنایع غذایی است. بیشتر افرادی که از دوره های آموزشی اداره کل آموزش فنی و حرفه ای در روستاها استقبال می کنند کارجویان هستند که آموزش به این افراد در کاهش حاشیه نشینی از مناطق شهری کمک می کند. اجرای طرح های آموزشی برای اساس نیازسنجی و کاربردی در مناطق روستایی این استان اجرا می شود.

References

1. Karimi, Jafar (2010), Rural tourism and its role in sustainable development of the studied village (a number of villages in Jabal district - Kuhpayeh section), accepted in the regional conference of tourism industry of Khomeini Shahr Azad University
2. Rajabi, Sepideh (2011), The role of tourism in sustainable rural development Case study: (Khoshkbijar city)
3. Sharpley, Julia, - (2001), Rural Tourism, translated by Manshizadeh and Nasiri, published by Manshi Tehran
4. Eghbali, Nasser, Rural Tourism Management Article and Its Role in Rural Development, (2010) p. 52
5. Rezvani, Mohammad Reza, (2008) Rural Tourism Development with Sustainable Tourism Approach, University of Tehran Press
6. Azkia, Mostafa and Zare, Adel and Imani, Ali (2008), "Approaches and methods of qualitative research in rural development", Tehran, Ney Publishing.
7. Bikmohammadi, Hassan and Mokhtari Malekabadi, Reza (2003), "Geographical Analysis of the Migration Process in Khuzestan Province", Journal of Geography and Development, Zahedan, 21-26.
8. Todaro, Michael (1988), "Internal Migration in Developing Countries", translated by Mostafa Sarmadi and Parvin Raisi, International Labor Office, Tehran.
9. Daneshvar, Mahmoud et al. (2006), "Study of the effect of increasing agricultural productivity on rural migration in Iran", Journal of Agricultural Sciences and Natural Resources, No. 4. 2-21.
10. Zanjani, Habibollah (2001), "Immigration", Tehran: Samat Publications.
11. Statistical Census of Population and Housing (2006), Statistics Center of Iran, Hashrood city.
12. Shokouei, Hussein (1383). "New Perspectives on Urban Geography", Samat Publications.
13. Taherkhani, Mehdi (2001), "An Analysis of Factors Affecting Rural-Urban Migration", Geographical Research Quarterly, Volume 16, Number 3. 68-89.
14. Firooznia, Ghadir (2006), Explaining the Continuity of Economic Function of Deserted Villages in Qazvin County, PhD Thesis, Shahid Beheshti University, Tehran.
15. Lahsaeizadeh, Abdul Ali (1368), "Theories of Immigration". Shiraz. Navid Shiraz Publications.
16. Mahdavi, Massoud et al. (2004), "The role of natural geographical factors in instability and rural migration in Zanjan province", Geographical Research, No. 48. 201-220.
17. Dasville, Roger (2007), Tourism Management, Arabic Translation, Cultural Research Office
18. Ghaderi, Esmail, (2003) The Role of Rural Tourism in Sustainable Development, PhD Thesis
19. Moradnejad, Homayoun, (2002), Jihad Socio-Economic Monthly, June and July, No. 251-250
20. Jafari, Hamid and Hatami Shakhkhal, Seyedeh Mohadeseh, (2012) A Study of the Impact of Rural Tourism in the Economic Sector of Saravan County in Recent Decades, National Conference on Rural Development

21. Hossein Mohammadi, Maryam and Hayati, Dariush, (2012) Rural Tourism Development A New Approach to Sustainable Rural Development, National Conference on Rural Development
22. Zahrabi, Hamid, (2006) Development of ecotourism management model in Parishan watershed, Science and Research Center of Islamic Azad University of Ahvaz
23. Parsa Basir. (۱۳۸۶) ، (۵)؛ "Study of fields and strategies for rural tourism development in Taleghan section of Savojbolagh city", Master's thesis, Faculty of Economics and Agricultural Development, University of Tehran.
24. Ruhollahzadeh Andwari. (۱۳۸۵) ، (۳)؛ "Tourism and its economic and social effects on regional development - a case study: Larijan Amol spa village", Master Thesis, Faculty of Social Sciences, University of Tehran.
25. Guidance. م. T, Farhoudi. ر. ،، دیتمان. A step. (۱۳۸۷) ، (م)؛ "Assessing the tolerance capacity of tourism destinations with emphasis on the host community", Journal of Human Geographical Research, No. 66, pp. 33-17.
26. Saeedi. A., (1998), "Fundamentals of Rural Geography", Samat Publications.
27. شهیدی. م. ش. ، اردستانی. ز. A. and Goodarzi Soroush. (۱۳۸۸) ، (م. م)؛ "Study of the effects of tourism in rural planning", Journal of Human Geography Research, No. 67, pp. 113-99.
28. Ghaderi, A., (2003), "The role of rural tourism in sustainable rural development", PhD thesis, Tarbiat Modares.
29. Championship. (۱۳۸۶) ، (ن)؛ "The Role of Tourism in Rural Development in Darreh-e-Kan and Sulqan of Tehran", Master Thesis, Faculty of Geography, University of Tehran.
30. Kalantari, Kh (1382); "Assessing the level of rural development in the city of Torbat-e Heydieh", 1986-79, Geographical Research, No. 40, pp. 41-54.
31. Mahdavi. M, Ghadiri Masoom. M and championship. الف - (۱۳۸۷) ، (ن)؛ "Effects of Tourism on Rural Development with a Survey of Villagers of Darreh Kan and Sulqan", Quarterly Journal of Village and Development, Volume 11, Number 2, pp. 60-39.
32. Mahdavi. M, Ghadiri Masoom. M and Saghaei. M, (2008) -b, "The role and impact of second homes on the economic and social structure of Kelardasht region", Human Geography Research, No. 65, pp. 19-19-41
33. Asayesh, Hossein (1995), Rural Economy, Payame Noor, Second Edition, October 1995, p. 201.
34. Amirani, Mohammad Hadi (2009), Establishment of industry in the village in the productivity of the agricultural sector, Jihad Monthly, serial number 216-271, April 18 and May 2009, p. 42.
35. Khazaei Ghorzhdhi, Ali (1396), Rural Industries, Developments and Development, Rural and Development Quarterly, Research Center for Rural Issues, Ministry of Jihad Construction, Summer and Fall 2017, pp. 106 and 107
36. Jahangard, Esfandiar (2016), The Role of Rural Industries in the Iranian Economy, Jihad Monthly, Serial Number 191-190, Year 16, October and November 2016, p.89.
37. Sahebi, Sadegh (2015), Rural Industries and its Role in the Development of the Country, Jihad, Issue 175, July 1994, p.38.
38. Qaranejad, Hassan (2006), Introduction to Industrial Geography, Isfahan, Hasht Behesht, II, 2006, p.22.
39. Mafrokhi, Bayazid (2013), Rural Industries of Iran, A Study of the Status of Agricultural Economy and Development, Serial No. 3, Fall 1992, pp. 30 and 31
40. Mahdavi, Massoud (1998), Introduction to Rural Geography of Iran, Vol. 1, Samat, First Spring 77, p. 205.
41. Nazarian, Asghar, (2), The position of small towns in spatial organization and national development
42. Lewis, Jame B., (1996); A Case Study of the Process of Tourism Development in rural Communities in the State of Indiana..

43. Lewis, W.A. (1954), "Economic development with unlimited supplies of labor", *Manchester School of Econ.*, social study, 22: 139-192.
44. Lai, P. & Napal, S.K. (2006). "Local perspectives of ecotourism development in Tawushan Nature Reserve, Taiwan". *Journal of Tourism Management*, Vol.27.
- Walpole, M.J. & Goodwin, H.J. (2000). Local Economic Impacts of Daragon in Indonesia". *Journal of Annals of Tourism Research*, Vol.27, No.3.
45. De Haas, H. (2008). *Migration and development: A theoretical perspective*. Oxford: Oxford University Press.
46. Demi, M. A., McLaughlin, D. K., & Snyder, A. R. (2009). Rural youth residential preferences: Understanding the youth development- community development nexus. *Community Development*, 40(4), 311-30. doi: 10.1080/15575330903279606
47. Ershad, F. (2001). [Rethinking rural-urban migration pattern in Iran based on the structure/ function bound paradigm (Persian)]. *Journal of Urban Studies*, 2(4), 1-28.
48. Demirkaya, H., & Artvinli, E. (2011). Migration towards Tarsus Antalya and Fethiye: Reasons and results. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 19, 297-307. doi: 10.1016/j.sbspro.2011.05.135
49. Jorgensen, B. S., & Stedman, R. C. (2001). Sense of place as an attitude: Lakeshore owners attitudes toward their properties. *Journal of Environmental Psychology*, 21(3), 233-48. doi: 10.1006/jenvp.2001.0226
50. Martin, P. (2004). *Labor migration* [S. H. Hefdah Tan Persian trans]. Tehran: Institute of Labor and Social Security Pub.
51. Raymond, C. M., Brown, G., & Weber, D. (2010). The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections. *Journal of Environmental Psychology*, 30(4), 422-34. doi:10.1016/j.jenvp.2010.08.002
52. Reniers, G. (1999). On the history and selectivity of Turkish and Moroccan migration to Belgium. *International Migration*, 37(4), 679-713. doi:10.1111/1468-2435.00090
53. Shahnaz, H. (2010). *Rural to urban migration in Pakistan the gender perspective*, Pakistan Institute of Development Economics, Working Papers: 56. Islamabad: Pakistan Institute of Development Economics
54. Siavash Pour, B., Shadloo Jahromi, M., & Molaei Ramesheh, Z. (2014). [Dimensions of sense of belonging to place, with emphasis on physical, social and emotional (perception and cognition) factors (Persian)]. Paper presented at the 6th National Conference of Planning and Urban Management, Mashhad, Iran, 11-12 November 2014.
55. Todaro, M. P. (1969). A model of labor migration and urban unemployment in less-developed countries. *American Economic Review*, 59(1), 138-48.
56. Todaro, M.P. (1997). *Internal migration in developing countries* [M. Sarmadi, & P. Raeisi Fard Persian trans]. Tehran: Institute of Labor and Social Security Pub.
57. Williams, D. R., & Vaske, J. J. (2003). The measurement of place attachment: validity and generalization of a psychometric approach. *Forest Science*, 49(6), 830-40.

Ahmad Sabouri

Graduate of Master of Geography and Rural Planning, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

Davoud Hassanabadi*

Assistant Professor of Natural Geography, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

Abstract

Accurate knowledge of issues related to Iranian villages is very important. Because the root of all backwardness problems, such as widespread poverty, growing inequality, rapid population growth and rising unemployment, lies in rural areas. In today's world, national development planning in general and rural development planning in particular are among the necessities of different lands. The rural development axis has traditionally been defined as agriculture, but the restriction of natural resources in some villages has led to economic stagnation, and agricultural development has not resulted in economic development in all villages. All rural communities are struggling with the problem of unemployment, and the dimensions of this problem have affected the economic, social and even political sectors. The main purpose of this dissertation is to manage and plan the geographical-economic variables of population sustainability in rural settlements of Garmsar city. How can you increase the sustainability of the population in rural settlements of Garmsar city by managing and planning geographical-economic variables? This dissertation is done using an analytical-explanatory method and using library resources and large articles and documents. The data collection method is also library and the use of scientific-research articles. It is a tool for collecting data from receipts and using tables and charts. The results show that the arrangement of rural settlements in Garmsar city in terms of geographical-economic variables improves the migration process and increases the sustainability of the population in the region.

Keywords: population sustainability, rural settlements, geographical variables, Garmsar city, tourism

* (Corresponding Author) davodhasanabadi@gmail.com